

تجددخواهی در اندیشه محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی (تجدد، ادب و سیاست)

مهدی صلاح، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان*
سجاد دادفر، استادیار گروه تاریخ دانشگاه رازی
روح اله بهرامی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه رازی

چکیده

محمدباقر میرزا خسروی معروف به خسروی کرمانشاهی از شاهزادگان دولتشاهی، رجال سیاسی آزادیخواه و از جمله ادبا، کتاب و دبیران برجسته دیوانی روزگار قاجار بشمار می‌رود. وی علاوه بر کتابت، دبیری و منشی‌گری دفتر برخی از حکام و فرمانروایان کرمانشاهان و فارس و مدیریت برخی ادارات دولتی در کرمانشاه عهد قاجار، دارای دانش، آگاهی و فضیلت‌های اخلاقی و علمی فراوان بود. جایگاه وی به‌عنوان یکی از شاهزادگان برجسته قاجار و آگاهی‌اش از اوضاع ایران و جهان او را در متن تحولات جدید در تاریخ ایران عهد قاجار در کرمانشاه قرارداد و به‌عنوان بازیگری مؤثر و درعین‌حال معتدل در عرصه رخدادهای مشروطیت در کرمانشاه ایفای نقش نمود. بعلاوه در حوزه ادبی در نظم و نثر آثار بسیار ارزشمند و قابل‌ستایشی در ادبیات کهن و نوین برجای نهاد که در جای خود بایستی موردبررسی واقع شود، اما آنچه که در این پژوهش موردنظر است رویکرد تجدد خواهان و نواندیشی در عرصه ادب و سیاست در حیات تاریخی و اندیشه محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی است. تأثیرگذاری او در روند تحولات مشروطه‌خواهی در کرمانشاه و نواندیشی‌اش در حوزه ادبیات داستانی عصر مشروطه با نگارش نخستین رمان تاریخی از جمله این رویکرد تجدد خواهان سیاسی و ادبی است که موردتوجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تاریخ قاجار، کرمانشاه، خسروی کرمانشاهی، تجددخواهی، ادب، سیاست، مشروطیت.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۰۵

*E-mail: mehdisalah2011@yahoo.com

مقدمه

در مورد محمدباقر میرزا خسروی باوجود همه فضیلت‌ها و فعالیت‌های علمی و سیاسی‌اش در سطح ملی و محلی در کرمانشاه و علی‌رغم نوآوری در عرصه ادبیات جدید معاصر به‌عنوان آغازگر گونه رمان‌نویسی نوین در ادبیات داستانی ایران معاصر، متأسفانه تحقیقاتی که شایسته مقام ادبی ایشان باشد صورت نگرفته است. شاید برای بسیاری از کسانی که با این شکل از ادبیات داستانی آشنا هستند نام و اندیشه‌های محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی نامی غریب باشد و البته این امر در یار ما که کمتر به بررسی تاریخ و تحولات آن اقبال می‌کنند امری بعید نباشد ولی به‌رحال غربت تاریخ و اندیشه را در این دیار می‌نمایاند علاقه دکتر غلامرضا رشید یاسمی نیز در فضل تقدمش در این زمینه در نگارش چند یادداشت کوتاه و تصحیح و مقدمه نگاری بر دیوان اشعار وی علی‌رغم جایگاه برجسته رشید یاسمی در حوزه تاریخ و تاریخ‌نگاری چندان به شناسایی نقش و مقام ادبی و سیاسی خسروی کرمانشاهی که یکی از آزادیخواهان و فعالان سیاسی عصر مشروطه‌خواهی و از جمله ادبای بزرگ معاصر و نویسندگان پرکار و خلاق دیار ما بوده است منجر نگردیده است. در این نوشتار بر آنیم که مسئله تجددخواهی و نواندیشی‌های فکری محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی در عرصه فعالیت‌های سیاسی و ادبی را موردبحث و بررسی قرار دهیم.

زندگی و شخصیت محمدباقر میرزای خسروی

محمدباقر میرزا خسروی معروف به خسروی کرمانشاه از شعرا و نویسندگان درجه اول روزگار قاجار، فرزند محمدرحیم میرزا پسر چهارم شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه -فرزند ارشد فتحعلی شاه - قاجار است برخی از زندگی‌نامه نگاران محلی تولد او را بیست و چهارم ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۶ و پایان حیات او را شانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ هـ ق نگاشته‌اند محمدباقر میرزا از رجال و مشاهیر به نام عهد قاجار است. او تعلیمات اولیه را زیر نظر پدرش محمدرحیم میرزا آخرین فرزند دولت‌شاه آموخت و از همان همان آغاز علاقه‌ای به شعر داشت اما پدرش او را از شعر منع نمود اما حسینقلی خان سلطانی کلهر از شعرای برجسته کرمانشاه در روزگار قاجار چون طبع روان او را دید تشویقش نمود و تخلص خسروی را برایش برگزید. عبرت به نقل از زندگی‌نامه خود نوشت ایشان در تذکره اقبال‌نامه آورده است که «چون در آغاز سن تمیزم طبع به سخن منظوم مایل بود گاه بیتی یا دوبیتی از آن سر برمی‌زد و پدرم از آن کار منع می‌فرمود و می‌گفت شعر سست و سبک سرودن خود عیب و نقص است و سخته و نیکویش نیز در

این عهد هنری نباشد. تا آنکه فاضل تحریر استاد المعاصرین حسینقلی خان کلهر رحمه الله علیه که با منش دوستی و یگانگی بود روانی طبع مرا بدید و بگفتن شعرم ترغیب نمود با آنکه درس الف زمان محمدصادق خان شیخ وند نیز در این شهر خسروی تخلص می نمود این تخلص را از بهر من بیسندید و اختیار کرد هرچند شاعریم پیشه و اندیشه نبوده لیکن گاه به نظم غزل و قصیده خاطر را مشغول می نمودم» (مصاحبی نائینی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۹۹) و کم کم خسروی شخصیتی ذوفنون و شاعر و ادیبی برجسته شد و در منطق، فلسفه و علوم دینی از جمله فقه و اصول آگاهی های فراوان کسب کرد. او دارای مشربری عرفانی بوده و با علماء و دانشمندان روزگار خویش حشرونشر فراوان داشته است. صداقت، صفای باطن، خلق و خوی مهربان، وطن پرستی و آزادی خواهی را از صفات برجسته او برشمرده اند (یوسفی، ۱۳۹۱: ۲۵۰-۲۴۹). کرمانشاه وی مدتی در خدمت علاءالدوله رئیس دارالانشاء ایالتی کرمانشاه بود و زمانی که علاءالدوله از حکومت کرمانشاه معزول گردید به خاطر اینکه محمدباقر میرزا مردی بسیار ادیب و فاضل بود به دلیل علاقه ای که ایشان پیدا کرده بود او را با خود به فارس برد تا در آنجا به عنوان یکی از ارکان حکومتی اش در فارس به او خدمت کند. (بیگلری، ۱۳۷۴: ۳۶۵). بر اساس برخی مدارک ظاهراً مدتی نیز شاهزاده سالار الدوله وقتی در کرمانشاه فرمانروا بودند محمدباقر میرزا را علی رغم میل باطنی اش مجبور به تحریر نامه های دیوانی اش نموده اند (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۲۲۶: ۱۳۹۰) نوع سلوک متعهدانه، نوع دوستی، دستگیری از مسکینان و فقراء، پاکی و بی طمعی او بقول عبرت نائینی مایه تعجب اهالی فارس شده بود (مصاحبی نائینی: ۸۰۱). خسروی در فارس بیشتر اوقات خود را بر سر مزار خواجه شیراز و شیخ اجل سعدی می رفته و اعتکاف می نمود و در حلقه ارادتمندان وفا علی شاه که در آنجا سرسلسله درویشان نعمت الهی بوده شتافته تا از فیض معرفت معنوی او بی نصیب نماند. مطالعات او در آثار کهن و تاریخ سرزمین فارس در این دوره از زندگی اش در نگارش چندین رمان تاریخی که پس از بازگشت به کرمانشاه نگاشته بازتاب یافته است. در این آثار توصیف ابنیه شهر شیراز و مشاهدات او به تفصیل آمده است، پس از مدتی اقامت در شیراز و گشت گذار و تفحص در آن دیار به کرمانشاه معاودت نمود، و این درست زمانی بود که مبارزات با دولت استبدادی قاجار شکل می گرفت، محمدباقر میرزا به خاطر خصلت های ذاتی و آگاهی و باور عمیق نسبت به ناتوانی حکومت استبدادی قاجار در ایجاد صلاح عامه و عدالت اجتماعی در شمار رجال مبارز و آزادیخواه آزادیخواه مشروطیت در کرمانشاه در آمد و نقش مهمی در طریق آزادی و استقرار مشروطیت و ایجاد آگاهی در میان طبقات مختلف مردم برای فهم مشروطه، دموکراسی و آزادی خواهی ایفا نموده است. خسروی پس از بازگشت از فارس با وقایع انقلاب مشروطیت مواجه شد و تازه از پارس بازگشته بود که

درگیر تحولات انقلاب مشروطه در کرمانشاه شد وی به خاطر حریت ذاتی و صداقت ضمیری که داشت بارهایی از سلطه استبداد موافق بود و بنا به گفته عبرت نخستین کسی بود که در کرمانشاه علم مشروطیت برافراشت و به حمایت از این نهضت پرداخت، این امر باعث سوانح متعددی در روزگار حیات او شد و مرارات، سختی‌ها و آوارگی‌های او را به همراه داشت و در کرمانشاه مورد عداوت و دشمنی قرار گرفت و هر بار مجبور به ترک شهر می‌شد تا اینکه در ضمن وقوع درگیری‌های شدید میان مستبدین و مشروطه‌خواهان کرمانشاه در سال ۱۳۲۵ مجبور شد مدتی را از شهر خارج شده و در ماهی دشت ساکن گردد. مدتی از آن بلاها و در زمان اقامتش در ماهی دشت از این فرصت پیش‌آمده استفاده نمود و از دست‌آوردهای شفر شیراز بهره برد و نتیجه تحقیقات و مشاهدات خود را در رمان‌های تاریخی شمس و طغری، ماری ونیزی و طغرل و همای که حاصل و ره‌آورد سفر فارس بود را در اینجا به نگارش درآورد. خسروی در تمام عمر خود را در زادگاهش کرمانشاه بسر آورد و به‌جز چند سفر کوتاه به تهران، سرزمین فارس و شیراز، عراق عرب که در جریان فعالیت‌های اداری و سیاسی وی صورت گرفته از کرمانشاه خارج نشد چند سال پایانی عمرش را در جریان جنگ جهانی اول با فشار دولت‌های بیگانه از کرمانشاه تبعید و، و مدتی را به‌صورت حبس همدان سپری نمود و سپس مجبور به سکونت در تهران شد. در هنگام حمله روس و انگلیس و اشغال نواحی غربی ایران خسروی به خاطر اظهار وطن‌خواهی و مقابله با بیگانگان از سوی نمایندگان دولت روس و بریتانیا مورد بغض و عداوت واقع گردید و پس از مدتی آوارگی، گرفتار و محبوس شد. آنگاه بنا به دستور آن‌ها از کرمانشاه نفی بلد گردید ابتدا قرار بود که خسروی به‌سوی سیستان تبعید شود لیکن در میانه راه در همدان محبوس شد و پس از مدتی با وساطت اعیان شهر همدان به تهران انتقال داده شد و به سکونت در آنجا مجبور گردید. درنهایت خسروی پس از سال‌ها با عمری پربار از فعالیت‌های علمی و سیاسی در شانزدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۳۸ در تهران دار فانی را وداع نمود (رشید یاسمی، ۱۳۷۳: ۳۳۳).

محمدباقر میرزا شخصیتی موقر، متواضع، متین و با فضیلت و دارای آگاهی‌های علمی بسیار بوده و دارای انشایی نیکو و خطی خوش و زیبا بوده و در خطابه بیانی جذاب داشته است. داشتن چنین هنرهایی همراه با مناعت طبع، سجایای اخلاقی و خدمات اجتماعی و سایر فضایل دیگر باعث شد که مورد توجه طبقات مختلف مردم در کرمانشاه در روزگار خویش باشد. او همچنین در ادارات مختلف کرمانشاه در روزگار قاجار نظیر تلگراف‌خانه ایالتی، اداره گمرکات و مالیات‌ها، و دفتر اداره دارالانشای ایالتی کرمانشاهان در روزگار قاجار منشاء آثار و خدمات اداری و اجتماعی فراوانی بوده است. پژوهش در سرگذشت و حیات شخصی و اندیشه‌ها و افکارش در این نوشتار نمی‌گنجد و در اینجا به‌تناسب موضوع

به‌ناچار به بررسی جوانبی از حیات سیاسی و ادبی او در راستای افکار نوخواهان او می‌پردازیم و به برخی از ویژگی‌های فکری و تلاش‌های ایشان اشاره خواهد شد.

مشروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی

نهضت مشروطه‌خواهی از تحولاتی است که بایستی علل و عوامل به وجود آورنده آن را از زوایای گوناگون موردتوجه جدی قرارداد، لذا نمی‌توان به‌راحتی با دیدگاه‌های خاصی به تحلیل و بررسی آن اکتفا کرد. درست است که بسیاری از مفاهیم تجدیدنظرطلبان و آزادی‌خواهان را از مسیر وابستگی به جامعه غرب در ایران مطرح شد اما انقلاب یا نهضت مشروطیت صرفاً حاصل وارد شدن مفاهیم سیاسی و ایدئولوژیک و تجددطلبانه غربی نبود بلکه ریشه در نابسامانی‌های و تحولات گسترده‌ای داشته که جامعه ایران طی قرون اخیر از سقوط دولت صفوی تا روزگار قاجار با آن دست‌وپنجه نرم کرده بود. نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی، بروز بحران در مناسبات اقتصادی جامعه ایران در مواجهه با نظام اقتصاد بورژوازی غربی و قدرت‌های استعماری، ناامنی فردی و اجتماعی، تأثیر فرهنگ غربی، مداخلات قدرت‌های بزرگ، تحقیر هویت جمعی ایرانیان و ناتوانی‌های سیاسی و نظامی حکومت قاجارها همه در این فرآیند بسیار تأثیرگذار بودند. بدون تردید اندیشمندان، علماء و رجال سیاسی، روشنفکران و ادبا و شعرا و شاهدگان و اشراف نخستین اقشار اجتماعی جامعه ایران بودند که نسبت به این‌گونه مسائل آگاهی می‌یافتند، واکنش نشان می‌دادند. مردمان نواحی مختلف و اقشار و طبقات مردم ایران نیز هریک به‌تناسب آگاهی و دانایی خویش برداشت‌های متفاوتی از مفاهیم آزادی، مشروطه، قانون و به‌طورکلی تجدد و نوخواهی داشتند. لذا انقلاب مشروطیت در جای‌جای سرزمین ایران بایستی با توجه به خصالت نسبی آگاهی و با توجه به بافت اجتماعی و سیاسی مناطقی که با آن مواجه می‌شدند موردبررسی قرار گیرد. از این‌رو انقلاب مشروطیت در کرمانشاه هنوز نیازمند دقت نظرها و تحقیقات عالمانه‌ای است که بتواند با بررسی مسائل خاص این منطقه به تحلیل واقع‌بینانه دست یابد. تاکنون در این باب به‌جز بررسی پدیده‌های سیاسی، نظامی و حادثه محور یا تکاپوهای فردی و شرح احوال برخی از مجاهدان مشروطه‌خواه کارهای اساسی و درخور توجه‌ای صورت نگرفته است بررسی و انتشار اسناد و مدارک، نقش علماء و روحانیت، باورها و عقاید مذهبی، اوضاع اجتماعی، نقش عشایر، نفوذ خوانین، نقش روشنفکران، نفوذ اشراف و کارگزاران دولت مشروطه‌خواه یا مستبد، وضع انجمن‌ها و احزاب، و وضعیت اقتصادیات و گمرکات و به‌طورکلی بررسی اوضاع بازرگانی و تجارت این ناحیه و... از مسائل مهم انقلاب

انقلاب مشروطیت در کرمانشاه محسوب می‌شود که بایستی مورد واکاوی دقیق قرار گیرد. بدون تردید بررسی انقلاب مشروطیت جز با دقت نظر در این گونه مسائل و اتخاذ روش درست متناسب با آن چهره نخواهد بست. یکی از این مسائل بررسی نقش شخصیت‌های آگاه و برجسته، آراء و اندیشه‌ها و تکاپوها و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان در این منطقه است و محمدباقر میرزا از وجوه این افراد است.

۱- محمدباقر میرزا خسروی و تکاپوهای سیاسی و فکری

تاریخ مشروطیت در کرمانشاه و سرنوشت تکاپو گران آزادی و حریت این دیار به نسبت شهرها و نواحی مختلف ایران کمتر کاویده شده و از بخش‌های مغفول تاریخ معاصر ایران است. این ضعف البته معلول عوامل متعددی است که پژوهیدن آن در این جستار کوتاه ناممکن است. آنچه در اینجا به دنبال آن هستیم بیان مختصری از تکاپوهای فکری و سیاسی نخواستگان محمدباقر میرزا در حوزه ادب و سیاست است محمدباقر میرزا هم به واسطه جایگاه خانوادگی و سیاسی‌اش به‌عنوان یکی از شاهزادگان و کارگزاران دیوانی خاندان دولتشاهی قاجار و درعین حال به‌عنوان یکی از فضلا و ادبا روشنفکر و نواندیش نواندیش و آگاه به تحولات روزگار خویش در کرمانشاه به یکی از بازیگران سیاسی، فکری و فرهنگی در جریان رویدادهای مربوط به انقلاب مشروطیت در کرمانشاه تبدیل شد که با روش و منش خاص خویش در روند تحولات مشروطه‌خواهی در کرمانشاه به‌عنوان یکی از کانون‌های شهری و فعال در مشروطیت نقش مؤثری بازی نمود. وجه بارز این نقش، فضیلت‌مندی و آگاهی‌های نخواستگان ایشان در مسائل فکری و سیاسی انقلاب مشروطه در شهر کرمانشاه است که او را به‌عنوان یکی از افراد محوری در انقلاب درآورد. البته نواندیشی در روزگار قاجار همانند روزگار ما خود طیف‌ها نگرش‌های مختلفی داشته که یکسر آن حیرت، سرگردانی و روشنفکر مآبی و سر دیگرش دغدغه‌مندی و پیشرفت و تعالی بومی و ملی بر اساس اندیشه‌های نوین و با اتکا به حفظ فرهنگ و هویت اسلامی و وطنی در نواحی مختلف و در میان دغدغه گران، اعم از علماء، اندیشمندان و رجال سیاسی و مذهبی بوده است. در این میان شاهزاده محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی در شمار اندیشمندان وطن‌خواهی است که با تکیه بر فرهنگ بومی که نواندیشی را نه به‌مثابه پشت پا زدن به سنن اجتماعی و فرهنگ ملی و مذهبی بلکه در عین وفاداری به این اصول دیده است و به تجدد بومی اندیشیده است. از این رو در میان هیاهوها و

افراط و تفریط‌های مستبدین و مشروطه‌خواهان راهی معتدل و منطقی را برگزیده است که در زیر به برخی از تلاش‌های وی در جریان نهضت مشروطه‌خواهی در دو عرصه سیاسی و ادبی می‌پردازیم.

الف: خسروی و مجامع مخفی و انجمن‌های سیاسی

یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در جریان اندیشه آزادی‌خواهی و مشروطیت تأسیس انجمن‌ها در جریان تحولات معطوف به انقلاب مشروطیت بود. فکر تأسیس انجمن‌ها ابتدا ناشی از نفوذ اندیشه پارلمان خواهی بود که در بستر جامعه ایران در آغاز به شکل مخفی تحت عنوان انجمن‌های مخفی پدید آمد هرچند برخی پژوهشگران برجسته انقلاب مشروطیت کاربرد آن را تعبیری غلط قلمداد نمود و بیشتر بر حضور آشکار این انجمن‌ها نموده است (آدمیت، بی‌تا: ۱۳۲). به‌رحال از آغاز زمزمه‌های آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی فکر تأسیس انجمن‌ها اعم از مخفی و غیر مخفی و شکل‌گیری اتحادیه‌ها و جمعیت‌ها پدید آمد و انجمن‌هایی در شهرهای بزرگ و کانون‌های انقلابی شکل گرفت در گیلان، تبریز، تهران و اصفهان به‌عنوان مراکز و کانون‌های فعال و سپس در شهرهای دیگر از جمله در کرمانشاه انجمن‌ها و اتحادیه‌ها شکل گرفتند و مدتی پس‌از آن تبدیل به جریان‌ها و احزاب سیاسی شدند که در مجلس دوم به‌طور جدی پدیدار شدند که خود داستان مفصلی است. نخستین بارقه‌های اندیشه‌های تجددگرایانه و انقلابی در کرمانشاه همانند سایر مراکز اصلی در تهران و کانون‌های برجسته شهری دیگر از طریق محافل و سرچشمه‌های ماسونی نظیر مجمع آدمیت ملکم خان در میان برخی رجال و شاهزادگان کرمانشاه نفوذ پیدا کرد و روزنامه قانون در شمار نشریات محرمانه‌ای بوده که برخی از رجال و اشراف کرمانشاه با آن آشنا می‌شدند و اذهان با مفاهیم تازه‌ای نظیر، قانون خواهی، دارالشورای آشنا می‌شدند. حامد انگار مجمع آدمیت- شعبه کرمانشاه - را که پدر ابوالقاسم خان لاهوتی یکی از اعضای آن بوده را مرکز نشر این‌گونه افکار در کرمانشاه دانسته است. بنابراین طرح این اندیشه‌ها ابتدا از طریق روزنامه قانون و مجمع آدمیت در کرمانشاه شکل گرفته است (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۴، ۳۱۳). پس از مدتی محفل دیگری به نام جامع آدمیت شعبه مخفی دیگری در کرمانشاه دایر نموده که اصول اساسی آن بر مبنای اندیشه‌های انسان‌گرایانه و اومانیستی آگوست کنت استوار بوده است، سلیمان میرزا اسکندری به همراه جمعی از هم‌فکرانش در کرمانشاه که عمدتاً از اعیان و اشراف و یا کارگزاران حکومتی بوده‌اند به شکل مخفی ناشر افکار ملکم خان شده است (سلطانی، ۱۳۷۸: ۶۵، ۶۹). همان‌طور که بیان شد علی‌رغم اینکه خسروی از رجال و شاهزادگان برجسته کرمانشاه بوده و این‌گونه

محافل مخفی سال‌های قبل از انقلاب مشروطیت در کرمانشاه دایر بوده ولی ما اطلاعات دقیقی از حضور و ارتباط ایشان با این محافل در دست نداریم لذا به نظر می‌رسد مسلک و مزاج اعتدالی وی در برخورد با حوادث، به‌ویژه با افکار و اندیشه‌های رادیکال مانع از همراهی ایشان با محافل سری مذکور بوده است. درحالی‌که بسیاری از کسانی که در این محافل عضویت داشته‌اند نظیر معتضد الدوله سابقه صمیمیت و دوستی با محمدباقر میرزا خسروی داشته‌اند، گویا مسلک علمی و منش اعتدالی وی با رویکرد پنهانی این انجمن‌ها سازگار نبوده و لذا رغبتی برای پیوستن به آن‌ها برای ایشان ایجاد نشده است و تنها پس از ایجاد تنش و بروز اختلاف میان اعضای جامع آدمیت بود که این زمینه را برای ورود وی فراهم ساخته است. این اختلاف منجر به تشکیل انجمن دیگری بنام انجمن حقوق با رویکردی شفاف‌تر گردید.

ب: انجمن و مدرسه حقوق

تأسیس انجمن حقوق که درواقع انشعابی از جامع آدمیت و در مخالفت با عباسقلی آدمیت بود سرآغاز این همراهی برای خسروی بوده است. این انجمن به‌وسیله سلیمان میرزا اسکندری، انتظام الحکماء و شاهزاده علی‌خان تأسیس شد و از عباسقلی آدمیت اعلام تبری نمود. انجمن سیاسی حقوق فعالیت خویش را از سال ۱۳۲۴ آغاز کرد و روزنامه‌ای نیز به‌عنوان حقوق منتشر کرد. در این زمان بود که محمدباقرمیرزا به انجمن سیاسی حقوق پیوسته است. البته محمدباقرمیرزا با بسیاری از بنیان‌گذاران مجمع آدمیت و جامع آدمیت از مدت‌ها پیش از تشکیل چنین مجامعی مرتبط بوده و از دوستان حسن میرزا، اسکندرمیرزا، شاهزاده ابوالقاسم میرزا و میرزا احمدخان معتضد الدوله بوده است اما فعالیت رسمی وی با این جریان‌های سیاسی و ورود او به جرگه آزادیخواهان از زمان تأسیس انجمن سیاسی حقوق آغاز شده است. انجمن حقوق نسبت به مجامع سری پیشین ماهیت آشکارتری داشته، شاهزاده محمدباقر میرزا خسروی که شخصیتی مستقل داشته ضمن پیوستن به افراد مذکور برای نخستین بار به‌عنوان عضو رسمی انجمن سیاسی حقوق فعالیت‌های خود را درراه استقرار قانون و مشروطه آغاز نموده است. این انجمن فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و آگاهی بخشی را دنبال کرد و با تأسیس مدرسه انجمن حقوق در کرمانشاه گامی بلند در روشنگری برداشته و یکی از اقدامات نوین و تجددخواهان خویش را به نمایش گذاشتند. به نظر می‌رسد نقش محمدباقرمیرزا در ساماندهی و تأسیس انجمن آن‌چنان برجسته بوده است که اعضای انجمن با توجه به فضیلت علمی و دانش دوستی شاهزاده محمدباقرمیرزا

خسروی، مدیریت مدرسه مذکور به ایشان واگذار کردند مدرسه سازماندهی و ترتیبات نوین آموزشی خاصی را برای محصلین خویش بکار بست. این انجمن در عرصه سیاسی نیز مشی معتدل و میانه روانه را اتخاذ نموده بود و اعضای آن از مروجان و افکار روشنگرانه در شهر محسوب می‌شدند (سلطانی، ۱۳۷۸: ۷۳، ۷۴).

ج: انجمن ولایتی

در کرمانشاه با آغاز زمزمه‌های مشروطیت و آزادیخواهی برخی از آگاهان به این مسائل و در رأس آنان خسروی کرمانشاهی به تکاپو افتادند تا نسبت به ایجاد یک اتحادیه و انجمن که بتواند خواسته‌های خواسته‌های آزادی خواهان و مشروطه‌طلبان را در مقابل مستبدین مطرح سازد در سودای آزادی و پارلمان نسبت به تأسیس انجمن ولایتی کرمانشاه اقدام نمودند لذا بازار شکل‌گیری نخستین اتحادیه‌ها و انجمن‌ها در میان اقشار و طبقات گرم شد یکی از انجمن‌های برجسته‌ای که خسروی با آن مرتبط بوده گویا انجمن ولایتی بوده است منابع از نقش محمدباقر میرزا در هدایت انجمن ولایتی خبر می‌دهند می‌دهند و به نقش فعال خسروی در انقلاب مشروطیت و تأسیس انجمن ولایتی کرمانشاه و رنج‌ها و مرارت‌هایی که در این راه کشیده اشاره نموده (مصاحبی نائینی، ج ۲: ۸۰۱). درحالی‌که در زمان صدور فرمان مشروطیت و اعلام تشکیل کمیته انتخابات فرمانروا و حاکم کرمانشاه حاجی سیف‌الدوله برادر عین‌الدوله مردی بسیار مستبد بود و همه گونه ممانعت برای جلوگیری از برگزاری انتخابات دوره نخست مجلس شورای ملی انجام می‌داد. محمدباقر میرزا به همراه جمعی از تجددخواهان و با حمایت حاج‌آقا محمدمهدی مجتهد و امام‌جمعه کرمانشاه انجمن ولایتی انتخابات را تأسیس و کمیته غیرت را تشکیل دادند و به مبارزه با مستبدین برای استقرار پارلمان و برگزاری انتخابات اقدام نمودند (هرمز بیگلری: ۴۳۷). عبرت نائینی تذکره‌نگار عهد قاجار در این مورد می‌گوید که خسروی کرمانشاهی نخستین کس بود که طرح تأسیس انجمن را در کرمانشاه مطرح و آن را تأسیس نموده است وی در باب مجاهدت‌های محمدباقر میرزا پس از دوران بازگشت از فارس آورده است که «خسروی که به کرمانشاه مراجعت کرد چندی برنیامد که مشروطه شروع شد اول کسی بود در آن شهر که مشروطه را استقبال کرد، انجمن ولایتی را مؤسس شد ولی انقلابات محلی و کشمکش‌های داخلی او را چندین بار مجبور به بیرون رفتن از شهرکرد و در یکی از انقلابات محلی (اوایل ۱۳۲۵ هـ ق) به دهی از دهات ماهی دشت رفته چندی در آنجا بماند و رمان‌های که ره‌آورد فارس بود به نوشت» (مصاحبی نائینی، ج

۲:۸۰۱). غلامرضا رشید یاسمی در باب پیشتازی خسروی در فهم اندیشه مشروطیت و قانون خواهی در کرمانشاه و نقش او در تشکیل محفل و انجمن‌های سیاسی و ولایتی می‌گوید که «مشروطه شروع شد، یکی از اولین مستقلین فکر جدید خسروی بود چنان به‌زودی با آن آشنایی یافت که گفتی دیرزمانی قبل از ظهور در دماغ خود آن را پرورش داده و ذهن خود را حاضر کرده است. انجمن ولایتی کرمانشاهان را مؤسس شد. در تمام انقلاباتی که رخ داد و تعبیراتی که از مشروطیت کردند و احزاب بی‌دوامی که تشکیل شد، خسروی در عقیده خود ثابت ماند، مشروطیت از آن حال و عنوان نخستین برگشت، آنان که نمی‌فهمیدند چیست معلوم است، چگونه آن را به انظار و افکار معرفی می‌نمودند، کرمانشاه دورافتاده که شاید هنوز حقیقت مشروطه را ندانسته باشد، شخص آزادی در دامن خود پرورش می‌داد که می‌دانست چیست و به همه‌کس می‌گفت و از تغییرات مغرضین یا نمایش شرم‌آور مشروطه‌خواهان بی‌معرفت ذره‌ای شک در وی راه نمی‌یافت. این ثبات سیاسی برای اولین بار او را با همشهری‌های خود مواجه کرده و در میدان افکار تند وارد نمود، هرکس جز او بود از همان بدو امر به صدماتی که افراد تند و انقلابی دچار شدند می‌ترسیدند، ولی خسروی باسابقه نوع پروری و خیرخواهی که در دوره استبداد از خود نمایش داده بود به‌خوبی موفق شد که پیش‌بینی‌های سیاسی خود را به همان همان لباس خیرخواهانه جلوه دهد و ثابت کند که این عقاید جدید نیز برای سعادت اهل مملکت در وی راسخ گردیده است» (خسروی کرمانشاهی، ۱۳۰۴: ۱۴-۱۳). پس از این نیز حوادث سیاسی نشان می‌دهد که محمدباقر میرزا همواره یکی از ارکان شخصیت‌های مشروطه‌خواه کرمانشاه بوده و تا آخر حیاتش به حریت و وطن‌خواهی، فضیلت‌مندی، نوع‌دوستی و خیرخواهی شهره بود و در تأسیس اجتماعات و احزاب و جریان‌های سیاسی در کرمانشاه نقشی پیشتاز داشته و بقول سنجایی ناصح و راهنمای مردم و در میان مردم شهر کرمانشاه بود و مرجعیتی تام داشته است (سنجایی، ۱۳۸۰: ۱۶۶). پس از اعلان پیروزی مشروطیت او بود که با خطابه‌ها و راهنمایی‌های خود مردم را به برگزاری انتخابات و انتخاب انسان‌های صالح، عاقل و کاردان تشویق نمود و آنان را به فداکاری در راه سعادت ملت فراخواند (روزنامه مجلس، ۱۳۷۵ ج ۱: ۱۵۰). پس از وصول فرمان مظفری مبنی بر اجازه تأسیس دارالشورای ملی و انتخاب وکلا، نظام‌نامه‌های چاپی نیز به کرمانشاه وصول شد مردم که تا آن زمان این رویه و طریقه را ندیده بودند و نمی‌دانستند مات و مبهوت از این نوع مذاکرات و تشکیلات جدید بی‌خبر بودند و کسی به‌جز بعضی خواص نمی‌دانستند چه اقدامی کنند در چنین شرایطی کسی از خواص نیز جرات جنبش و اظهارنظر نداشت. این تنها محمدباقر میرزا بود که مردم را بادانش خویش به آگاهی فراخواند در شماره سی و چهارم روزنامه مجلس درباره وضعیت کرمانشاه و نقش محمدباقر میرزا در این شرایط آورده است که

«خواص که می‌دانستند، برملا نمی‌توانستند به آگاهی مردم بپردازند، ماه مبارک به سکوت گذشت و در اول شوال که افتخار العلماء پس از جناب امام‌جمعه از دارالخلافه آمدند و رقیمه جات علماء را آوردند جناب امام اعلان مجلس میان انداخته بودند رفع کردند، محمدباقرمیرزا را فرمودند که هم خلعت همایونی بپوشند و هم مسئله را به مردم اعلام رسمی نمایند ناچار تلگراف امریه مبارک را هم فرستادند که در سر منبر قرائت کردند و مرقومات علماء نیز خوانده شد هیجانی در مردم پیدا شد و به فکر کار افتادند ابتدا شاهدگان مجلسی کرده محمدباقرمیرزا را به وکالت خود انتخاب کردند» (روزنامه مجلس، ۱۳۷۵ ج ۱: ۱۴۲)؛ اما مستبدین نیز بیکار ننشستند و به تولید اغتشاش در اذهان مردم و تخریب چهره مشروطیت اقدام نمودند به طوری که به وحشت و دوگانگی شدیدی منجر گردید باوجود اصرار طبقه شاهدگان به محمدباقرمیرزا خسروی برای پذیرش نمایندگی مجلس شورای ملی به نمایندگی از سوی شاهدگان قاجاری، ایشان از این امر، خودداری کرد و استعفا داد (روزنامه مجلس، ۱۳۷۵ ج ۱: ۱۴۲) و درنهایت این شاهزاده ابوالقاسم میرزا بود که در نخستین مجلس مشروطیت که خصلتی طبقاتی داشت از طرف شاهدگان کرمانشاه عازم تهران شد (سنجایی: ۱۶۹).

با به قدرت رسیدن محمدعلیشاه و فرارسیدن استبداد صغیر؛ محمدباقرمیرزا و آزادیخواهان کرمانشاه نیز مانند سایر آزادی خواهان در شرایط سختی قرار گرفتند و دسته‌بندی‌های سیاسی مشروطه‌طلبان و مستبدین باعث شورش‌ها و نابسامانی‌های فراوان گردید. با عزل نظام‌السلطنه و تعدیل شدن فضای نفوذ مستبدین در سال ۱۳۲۸ هـ - ق. علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله فرمانروای کرمانشاه شد و محمدباقرمیرزا با همراهی حاج‌آقا مهدی مجتهد انجمن ولایتی کرمانشاه را مدیریت کردند گرچه حاج‌آقا مهدی رئیس انجمن بود و خسروی نایب رئیس اما این خسروی بود که به‌عنوان نایب رئیس انجمن ولایتی کرمانشاه با صداقت و بی‌نظری تمام؛ برای ساماندهی به امور تلاش‌های فراوانی انجام داد (سنجایی: ۱۸۹). وقوع کودتای علیه مجلس مشروطه و بروز فتنه سالارالدوله و ناخوشنودی محمدباقرمیرزا از عملکرد مستبدانه و آشوب طلبانه سالارالدوله و هواداران وی در کرمانشاه و مناطق غربی کشور، باعث شد که خسروی از شهر خارج شود و از راه قصرشیرین برای مدتی کوتاه به عتبات عالیات برود و پس از بازگشت به میان ایلات سنجایی رفت و از کشاکش‌های بی‌پهوده و جدال و خونریزی کناره گرفت (سنجایی: ۲۰۴). عزل فرمانفرما از سوی دولت مرکزی و شکست سالارالدوله و داود خان کلهر در حدود صحنه؛ باعث شد که کنترل کرمانشاه در دست فرمانفرما و قوای دولتی قرار گیرد و با ایجاد امنیت در شهر محمدباقرمیرزا به کرمانشاه بازگشتند. در دور امارت فرمانفرما انتخابات مجلس سوم آغاز گردید و محمدباقرمیرزا که خود از هواخواهان صادق آزادی و مورد اعتماد همه

جریان‌های سیاسی نیز بودند به‌عنوان ریاست انجمن انتخابات کرمانشاه در آن شرایط بسیار سخت قرار گرفت و علی‌رغم اینکه میان نیروهای درگیر سیاسی اعتدال‌ها و دموکرات‌ها و والی کرمانشاه فرمانفرما بر سر نحوه برگزاری و آراء منتخبین مناقشات جدی پدید آمد ولی او توانست باتدبیر خاص و صادقانه خود سلامت انتخابات را حفظ کند. شاهزاده محمدصادق دولتداد فرزند خسروی در این زمان در صف دموکرات‌های کرمانشاه قرار داشت (سنجایی: ۲۲۹، ۲۲۸). علاوه محمدباقرمیرزا علاوه بر اعتماد و اطمینانی که اکثر جریان‌ها و احزاب به او داشتند، خود نیز به‌تناسب شرایط و منطبق بر آراء خویش به جریان‌های سیاسی می‌پیوستند و یا از اعضای مؤسس آن مجامع در کرمانشاه می‌شدند و در تمام این جریان‌ها همواره مروج آزادی، قانون و اعتدال بودند و نقش ارزنده‌ای در هدایت درست افکار و کنترل افراط‌وتفریط‌های رایج در آن روزگار ایفا می‌نمودند، چنانکه از جمله اعضای برجسته انجمن‌های غیرت و کمیته دموکرات نیز بودند.

د: محمدباقرمیرزا، انجمن غیرت و کمیته دموکرات

در زمان بروز بحران‌های و اختلافات میان جریان‌های مستبدین و آزادی خواهان و بروز خشونت و اختلاف میان طیف‌های مختلف سیاسی غیرت انقلابی و پایداری برای استقرار عدالت و آزادی محمدباقرمیرزا را همراه جمعی از تجددخواهان کرمانشاه به‌سوی تأسیس انجمن غیرت و کمیته دموکرات کرمانشاه سوق داد. انجمن غیرت هرچند در آغاز یک حرکت سری بود که در تهران آغاز شد اما در شهرستان‌ها جایگاه روشن و خاصی در ترویج اندیشه تجدد و ترقی و نظارت بر حرکت‌های مشروطه‌طلبانه پیدا کرد در کرمانشاه محمدباقر میرزا از اعضای برجسته انجمن غیرت شد و در کنار شخصیت‌هایی چون میرزا احمدخان معتضد الدوله، ابوالفتح میرزا دولتشاهی، یارمحمدخان کرمانشاهی، ابوالحسن خان زنگنه، حسین خان معاون و... نقش مؤثر در ترویج افکار مشروطه‌خواهانه ایفا کرد (سلطانی؛ ج ۱: ۹۱-۹۰) و سپس به همراهی جمعی دیگر کمیته دموکرات را پایه‌گذاری کردند. کمیته‌ای انقلابی که از معروف‌ترین طیف آزادی‌خواهان کرمانشاه تشکیل یافته بود. هسته اصلی اعضای این کمیته حدود هفده نفر بوده‌اند که از مدافعان واقعی قانون و نظام مشروطه‌خواهی بشمار می‌رفتند. ترکیب این کمیته نشان دهنده تعلقات و وابستگی‌های سیاسی و صنفی اعضای کمیته است بخشی از اعضای کمیته نظیر شاهزادگان، محمدباقر میرزا، محمدصادق میرزا و شاهزاده حشمت زاد از اعضای روشفکر و آزادیخواه قاجار در کرمانشاه بودند افرادی نظیر ابوالقاسم خان لاهوتی و ابوالحسن خان

الهامی از شعرا و فضلاء آگاه شهری بودند و بقیه اعضاء یا از کارگزاران دولتی بودند و یا از مجاهدین مشروطه‌خواه که وابسته به اقشار و اصناف متوسط شهری جامعه بودند، بشمار می‌رفتند. همراهی محمدباقرمیرزا در رأس شاهدگان و علما و فضلاء این جمعیت در دفاع از اندیشه دموکراسی‌خواهی و تجدیدنشان از اهتمام پیوسته وی در جهت دفاع از آزادی و عدالت بشمار می‌رود. پس از آشفته شدن اوضاع جهان در آستانه جنگ جهانی نخست و تجاوزات قدرت‌های بزرگ به مرزهای کشور و بهم خوردن اوضاع داخلی و تهدیدات امنیتی علیه ایران، این بار محمدباقرمیرزا را در رأس جمعیت دیگری که وظیفه دفاع ملی در کرمانشاه را برعهده داشت می‌بینیم کمیته‌ای که در آن زمان وظیفه خود را دفاع از تمامیت سرزمین ایران در مقابل تجاوزکاری‌های دول محارب تشخیص داده بود مسئله‌ای که از دغدغه‌های محمدباقرمیرزا برای حفظ هویت فرهنگی، جغرافیای و ملی بشمار می‌رفت.

هنر اندیشه‌های وطن‌خواهی و کمیته دفاع ملی

تشکیل کمیته دفاع ملی در شرایطی بسیار سخت و در زمان هجوم قدرت‌های درگیر در جنگ بین الملل که به تصرف بخش‌های وسیعی از کشور بدست روس و انگلیس و در زمان حضور نیروهای درگیر و مأمورین دولت‌های آلمان و عثمانی صورت گرفت حاکمیت چنین وضعیتی محمدباقرمیرزا را بسختی نگران ساخته بود، لذا در کرمانشاه وی بیش از هرکس دیگری در آن زمان به تکاپو افتاد و تلاش‌های او از دید نمایندگان سیاسی و نظامی دول محارب پنهان نماند. البته این تکاپوها ریشه در اندیش‌های عمیق وطنی و فرهنگی ایشان داشت خصوصیتی که نشان آن را در سراسر فعالیت‌های فکری و سیاسیش می‌بینیم. یکی از ویژگی‌های اندیشه‌ای محمدباقرمیرزا در عرصه سیاسی و ادبی عشق و علاقه ایشان به وطن و دفاع از میانی فرهنگ بومی و ملی بوده است این امر او از صفت تجددگرایان رادیکال عهد قاجار متمایز می‌ساخته او تجدد را برای وطن و بر مبنای هویت ملی و فرهنگی آن می‌دیده است. بر همین اساس در عرصه ادبی عشق به ایران و فرهنگ ایرانی را برجسته ساخته و نگارش داستانها و رمانهایی را به سبک داستان‌نویسی اروپایی را بر اساس تاریخ و فرهنگ ایرانی دنبال کرد که علاوه بر نوگرایی سابقه و پیشینه‌ای کهن در داستان‌نویسی ایرانی داشت. در عرصه فعالیت‌های سیاسی و ملی نیز از هرگونه تقلید و تبعیت از قدرت‌های بزرگ بیزار بود و با مداخله‌گری و نفوذ آنان در امور سیاسی و فرهنگی جامعه ایران مخالف بود. نگاهی به مجموعه اشعار، فعالیت‌ها و مشی سیاسی او به خوبی میزان وفاداری و استقلال رأی و وطن دوستیش را آشکار می‌سازد

(خسروی کرمانشاهی: ۵۹، ۵۸، ۴۳، ۴۱). این نوع نگرش از همان آغاز براندیشه تجدیدطلبانه او غلبه داشته است، چنانکه در آغاز استقرار مشروطیت و شروع انتخابات ولایتی در حضور امام جمعه کرمانشاه خطبه‌ای ایراد کرد و در آن خطابه از مردم خواست که قدر این نعمت را که می‌تواند عقلای ملت را دور هم جمع سازد تا مسیر خوشبختی و سعادت و ترقی ملت را روشن نمایند، بشناسند تا از این طریق دریچه سستی، ظلم و تعدی و دزدی و تقلب بسته شود و هنرهای مملکت نمایان شود و خیر و صلاح عمومی حکم‌فرما گردد و این امر از نگاه و اندیشه ایشان جز با پاک کردن نفس از هوای شیطانی و بی‌طمعی و غیرت وطنی شکل نمی‌گرفت و از نظر او تنها در سایه چنین نگرش و غیرت وطنی بود که دندان طمع بیگانگان از ملت ایران کنده می‌شد لذا در پایان خطابه افتتاح مجلس مشروطیت در کرمانشاه یادآور شدند که «نیت خود را صحیح و عزم خود را جزم نمایید و غیرت وطن پرستی را محکم سازید و به استحکام این بنیان و صحت این عمل خیر بکوشید. چشم بیگانها به طرف ما باز است و کوشش‌ها به سوی ما دارند تا بنگرند از ما در همچو امر مهمی که سعادت آتیه ما بسته به آن است و دندان طمع همسایگان حریص را از تصرف خانه آبا و اجدادی ما کند خواهد کرد؛ چه اقدام خواهیم نمود آیا این بنیان را به طریق عقل و هوش و درستی و پیمان می‌بریم؟ یا مثل سایر کارهای خود آن را ناتمام گذارده و خراب‌تر می‌شویم، از آنچه بودیم» (روزنامه مجلس، ج ۱: ۱۳).

خسروی در تمام ادوار فعالیت‌های فکری و سیاسی خویش منافع و هویت و فرهنگ ملی را احترام می‌نهاد و بر همین اساس بود که با وقوع جنگ جهانی اول بلافاصله برای دفاع از کشور در میان رجال کرمانشاه پیشقدم بود. با طرح و شکل‌گیری مسئله کمیته دفاع ملی در اندیشه رجال ایرانی و تأسیس برخی شعب آن در مملکت، در کرمانشاه نیز محمدباقر میرزا بخاطر شدت بحرانی که در مرزهای غربی و در شهر کرمانشاه نسبت به سایر نقاط مملکت وجود داشت بلافاصله به همراه جمعی از وطن‌پرستان و هم‌فکران خویش در کمیته دموکرات کرمانشاه که متمایل به سیاست دولت عثمانی و اندیشه اتحاد اسلام در اتحاد با دولت آلمان بودند کمیته دفاع ملی تشکیل دادند این کمیته تحت زعامت شاهزاده محمدباقر میرزا خسروی تشکیل شد از دیگر همراهان او در این کمیته قوام العلماء، وکیل الملک، جلیل الدوله و برخی دیگر از شخصیت‌های برجسته و متنفذ محلی از ایلات و عشایر این خطه بودند (احرار، ۱۳۵۲، ج ۱: ۵۶۳، ۵۶۴). کمیته دفاع ملی به رهبری محمدباقر میرزا و با همکاری سایر ایلات بویژه قوای عشایری و روسای ایلات سنجابی که با وی بستگی سببی داشتند (سنجابی، ۱۳۸۰: ۱۶۶-۱۶۵-۱۳۹). بزودی بر بسیاری از مراکز حساس دولتی در کرمانشاه مسلط گردید و با کنترل بر مخابرات و مقابله با نیروهای متفقین اعم از روس و انگلیس در این نواحی پرداخت و نمایندگان سیاسی روس و

انگلیس را از خطه بیرون کردند و کنترل شهر کرمانشاه و نواحی اطراف را در دست گرفتند. به‌طور کلی در بین سالهای ۱۲۹۳-۱۲۹۷ که شعله‌های جنگ جهانی‌گیر اول شعله‌ور گردیده بود و صفحات غرب کشور بویژه کرمانشاه صحنه آتش‌افروزی کشورهای متخاصم عثمانی، آلمان، انگلیس و روس گردید وطن‌خواهان و عشایر وطن‌دوست غرب کشور برای مقابله با تجاوزات دشمن به اتحاد و مجاهدت روی آوردند با مهاجرت ملیون و عده‌ای از نمایندگان مجلس جبهه مقاومت ملی و دولت ملی مهاجرت در کرمانشاه تشکیل گردید. ورود عساکر متحد عثمانی به خاک ایران و پیشروی آنها تا کِرنَد و سلوک نامناسب آنان با مردم در آن شرایط، اسباب ناراضیتی و خشم مردم نواحی غرب و ایلات و عشایر سنجایی و گوران را در آن صفحات را برانگیخته بود و درحالی‌که قرار بود نیروهای دموکرات، ملیون و مهاجرین برای مقابله با قوای متفق روس و انگلیس با عثمانی و آلمان متحد شوند. این پیشروی‌ها همراه با این‌گونه برخوردها اسباب ناراضیتی مردم آن نواحی علیه عثمانی‌ها شد و لذا برای مقابله با سپاه عثمانی آماده شدند. مسیو شونمان که امیدوار بود نیروهای مسلمان ایران و عثمانی را با اتحاد یکدیگر فراخواند، از این عمل به وحشت افتاده و برای رفع این معضل مجلسی با حضور شونمان، قوام، علماء و محمدباقر میرزا تشکیل شد و معاهده‌ای امضاء گردید که اسباب رفع کدورت را فراهم ساخت. روابط خویشاوندی محمدباقر میرزا با سران ایل سنجایی در این زمینه بسیار مؤثر بوده است. محمدباقر میرزا و سران ایل سنجایی و کِرنَدی با نماینده دولت آلمان شونمان نماینده دولت عثمانی دیدار و گفتگو کرد و این امر به حل و فصل مسئله انجامید (بیات، ۱۳۶۹: ۶۴). در طی یک سال پیکارها و سوانح سختی در صفحات غرب کشور به وقوع پیوست تا اینکه قوای مهاجرین و نیروهای ملی و قوای رشید عشایر غرب ایران توانستند با رشادت تمام مجدداً بر شهر کرمانشاه تسلط پیدا کنند در آن شرایط ناگوار محمدباقر میرزا همواره محل رجوع، مردم شهری، عشایر و جمعیت ملیون و نمایندگان آلمان و ترک‌های عثمانی بود و تلاش می‌نمود برای حفظ منافع وطن‌خواهان از مناقشات میان نیروهای متحد جلوگیری کند. از جمله این اقدامات ایجاد آشتی میان نماینده آلمانها با قوای عشایری، رفع کدورت میان ترک‌های عثمانی و روسای ایلات سنجایی و کِرنَدی و تلاش برای رفع اختلاف میان قوای نظام السلطنه مافی و رهبران ایل سنجایی بود (بیات، ۱۳۶۹: ۳۸۰، ۳۸۲). مدتی پس از این موازنه قوی درگیر میان متفقین و متحدین در عربستان و عراق بهم خورد؛ قوای بریتانیا با ایجاد اختلاف میان مسلمانان و تحریک خاندان شریف مکه علیه عثمانی موفق شدند بغداد را تهدید کنند و قوای عثمانی مستقر در ایران که برای مقابله با جبهه روس تا حدود اوج و قزوین پیشروی کرده بودند عقب نشستند و مجدداً پیشروی قوای روس به سمت کرمانشاه آغاز گردید و نیروهای نظام السلطنه

مافی و قوای ملی و مهاجرین دولت ملی کرمانشاه مجبور شدند که شهر کرمانشاه و صفحات غرب کشور را تخلیه و بسوی خاک عثمانی مهاجرت کنند بدین صورت کرمانشاه مجدداً به اشغال قوای متفقین در آمد (سمعی: ۱۱۶-۱۰۳ و ملایی، ۱۳۷۸: ۲۳۶-۲۰۷)، در این زمان روسها بواسطه ضعفها و اغتشاشاتی که در میان جبهه مفقین و بویژه درمیان سپاهیان روس بوجود آمده بود. در چنین شرایطی روسها بخاطر نفوذ و فعالیت‌های گسترده‌ای که محمدباقرمیرزا داشت با ترفند خاصی او را با تأمین به شهر فراخواندند لیکن پس از مدتی در روز ۲۱ رجب ۱۳۳۵ خسروی را به کنسولگری در کرمانشاه فرخواندند و با وجود تأمینی که به ایشان داده بودند به امر فرماندهی کل قوای اعزامی روسها به محبس زهاب سپردند (بیات، ۱۳۶۹: ۹۷) و پس از مدتی او را تحت الحفظ به همدان فرستادند. سردار مقتدر سنجابی درباره دستگیری و تبعید محمدباقرمیرزا بوسیله سپاه روس آورد است که «از بازان به صادق آباد کوچیدیم. سردار رشید اردلان به دیدن ما آمد و از کرمانشاه خبر رسید که روسها به سعایت معاضد الملک کار گزار کرمانشاه شاهزاده محمدباقرمیرزا را توقیف و تحت‌الحفظ به همدان برده‌اند. محمد صادق میرزا که در خانه ما مهمان بود بسیار آشفته و مضطرب شد. نامه شاهزاده محسن میرزا را به ایشان نشان دادم که نوشته بود تلگراف‌های مفیدی به مرکز مخابره شده و با تغییراتی که در سیاست روسها حاصل شده جای نگرانی نیست» (سنجابی: ۴۰۹) مدتی پس از انتقال ایشان به همدان و بهم خوردن اوضاع و سیاست‌های جدید روسیه در ایران و با اعمال فشار و مکاتبات جمعی از اعیان و رجال ایران، محمدباقرمیرزا از محبس آزاد و به تهران تبعید شد و تا پایان عمر در این شهر روزگار بسر آورد. عبرت نائینی در تذکره مدینه الادب در مورد روزگار پایانی عمر خسروی نکته‌ای بیان می‌کند که تلاش‌های این مرد بزرگ و دشمنی بیگانگان با امثال چنین رجالی هویدا می‌سازد که در آن سرنوشتی جز حبس، آوارگی و تبعید نبوده است «در ایام جنگ بین الملل که شهرهای غربی ایران میدان تاخت و تاز لشکریان ترک و انگلیس و روس شده بود مدتی از دست روسها بغارها و جنگل‌ها پناه برده بود عاقبت مجبور شد قول و قسم‌ها را بپذیرد و به شهر در آید. با ورود او به شهر وی را گرفته حبس کردند پس از چندی اراده کردند که او را به سیستان فرستند:

چو گفته بودم ملک کیان ز ایرانست حوالتم بسوی تختگاه رستم بود

در همدان فسخ عزیمت کرده و وی را همانجا حبس کردند، پس از دو ماه به پایمردی امیر افخم قراگزلو، او را رها کردند بدین شرط که به تهران رود و در همانجا اقامت گزیند» (مصاحبی نائینی: ۸۰۱)

۲- ادب و تجدد در اندیشه خسروی کرمانشاهی

خسروی علاوه بر اینکه در اتفاقات نهضت مشروطه‌خواهی از رهبران بزرگ مشروطیت و نوگرایی در غرب ایران بشمار می‌رود و تلاش‌های فراوانی در راه استوار ساختن مشروطیت و آزادی‌خواهی و مقابله با استبداد داشت، در عرصه ادبی و فرهنگی از رجال و مشاهیر بنام ادبیات و فرهنگ نوین ایران است که قدر و مرتبه او بخوبی شناخته نشده و با وجود پیش‌قدمی در نوگرایی ادبی و داشتن آثار ارزشمند هنوز چندان مورد توجه قرار نگرفته است و امید است که این مختصر راه بررسی و آشنایی بیشتر با آثار و اندیشه‌هایش را هموار سازد. در اینجا ابتدا ضمن معرفی برخی آثار ایشان و سابقه و پشتوانه ادبی وی در ابیات کهن، وجوه نوین اندیشه ادبی او را مورد بحث قرار می‌دهیم و تکاپوهای نوگرایانه ادبی او را که شایسته است به تفصیل مورد بحث مستقلی قرار گیرد بشکلی مجمل بررسی می‌کنیم.

الف: آثار علمی و ادبی

محمدباقر میرزا آثار فراوانی از خود بجای نهاده که برخی از این آثار شناخته شده و طبع گردیده، اما برخی دیگر نا شناخته‌اند و لازم است به منظور شناخت بیشتر ایشان، محققان و پژوهشگران این آثار را گرد آوری و مورد تحقیق و بررسی قرار دهند. در اینجا به اختصار به اهم آثار وی اشاره می‌شود.

۱- کلیات دیوان اشعار

که در سال ۱۳۰۴ به همت فرزندش محمد صادق میرزا دولتداد و با مقدمه غلامرضا رشید یاسمی تصحیح و چاپ شده و چاپ دیگری از این دیوان در سال ۱۳۶۳ به اهتمام احمد کرمی انجام شده ولی شایسته است با دقت نظر علمی بیشتری تجدید چاپ آن برای علاقمندان به ادبیات معاصر و ادبیات کرمانشاه صورت گیرد. این دیوان مشتمل بر سه هزار و پانصد و بیست بیت قصیده و غزل و قطعه است که نشان دهنده قوه طبع، بسط اطلاع و استحکام حسن مقال ادبی ایشان است.

۲- منشآت، مکاتبات و نامه‌های اداری خسروی

در دوره ریاست دارالانشای کرمانشاه و فارس و ادارت تلگرافخانه و گمرکات و سایر خدمات دولتی و سیاسی که داشته است. این مکاتبات که بنا به ضرورت‌های اداری و سیاسی و یا به فرمان امراء این نواحی نگاشته شده با توجه به توانمندیهای خسروی در نظم و نثر، دارای ارزش ادبی ویژه‌ای در نثر فارسی دوره قاجار خواهد بود، اما تا کنون کسی بدین امر اهتمام نداشته و البته گردآوری آنها از مراکز اسنادی ولایلی اسناد خانوادگی و شخصی افراد کاری آسان نخواهد بود.

۳- دیبای خسروی

دیبای خسروی با توجه به توصیفی که رشید یاسمی از این مجموعه دارد اثری است سترگ و بسیار ارزشمند که مورد ستایش ادیب الممالک قرار گرفته است (خسروی کرمانشاهی: ۹۸). این اثر در تاریخ ادبیات عرب و در دو مجلد تنظیم شده و مشتمل است بر تاریخ و شرح احوال ادبای عرب. نائینی در تذکره مدینه الادب می‌گوید که خسروی شرح و ترجمه احوال دویست و بیست تن از شعرای نامدار عرب اعم از جاهلیین، مخضرمین و اسلامیین را همراه برخی از اشعار و وقایع ایام و تاریخ عرب را بیان داشته (مصاحبی نائینی: ۸۰۰) غلامرضا رشید یاسمی اهتمام فراوانی برای تصحیح و آماده‌سازی این مجموعه بخرج داده و در مورد اهمیت تاریخ ادبیات عرب خسروی یا دیبای خسروی آورده است که «دیبای خسروی دو جلد بزرگ که تاریخ ادبیات عرب است با بیان وقایع و حوادث ایام زندگانی شعراء و ترجمه منظوم و منثور اشعار آنان. این کتاب بسیار مهم و برای تعمیم ادبیات عرب و تشریح درجات فصاحت و بلاغت شعرای تازی در زبان فارسی بی همتاست» (رشید یاسمی: ۳۳۴).

۴- رساله تشریح العلل

در علم عروض و در شرح زحافات و علل عروضیه است (مصاحبی نائینی: ۸۰۰) رشید یاسمی در مورد اهمیت این رساله گفته است که «رساله تشریح العلل در زحافات و بحور و اصول و ارکان علم عروض. این رساله برای مبتدیانی که مجال رجوع به کتب مفصله ندارند بسیار با فایده است.» (رشید یاسمی: ۳۳۴)

۵- تذکره شعرای کرمانشاه

که به احتمال زیاد نخستین تذکره محلی در باب شعرای کرمانشاه محسوب می‌شود. خسروی این تذکر را «اقبال نامه» نامیده است که منسوب به اقبال الدوله فرمانفرمای شهر کرمانشاه است و وجه تسمیه آن نیز بدان خاطر است که خسروی به ذکر شرح احوال شعرائی پرداخته است که در روزگار فرمانروایی اقبال الدوله غفاری قصیده می‌سروده‌اند و یا او را مدح نموده‌اند. رشید یاسمی در این باب آورده است که «مندرجات این کتاب در جای دیگری به دست نمی‌آید و از این جهت بی مانند است» (رشید یاسمی: ۳۳۴).

۶- رمان‌های تاریخی

۱-۶- شمس و طغری

۲-۶- ماری ونیزی

۳-۶- طغرل و همای

سه عنوان فوق‌الذکر را خسروی در یک مجموعه فراهم ساخته در واقع سه داستان را در یک قالب درهم تنیده است و بیشتر تحت عنوان اصلی داستان و قهرمانان و شخصیت‌های برجسته آن یعنی شمس و طغری اشتهاار یافته است، در حالی که نویسنده سه داستان عاشقانه را پردازش نموده و در دل هم آورده. این رمان چندین بار در سه مجلد و اخیراً در یک مجلد به چاپ رسیده است.

۴-۶- جهانسوز شاه

رمانی در باب ظهور سلسله قاجار و شرح احوال حسینقلی‌خان جهانسوز شاه همراه با افسانه‌های شیرین و جذاب.

۵-۶- عذرای قریش

ترجمه داستان عربی عذراء قریش که جرجی زیدان مورخ و محقق نام آشنا آن را به شکل داستان‌های اروپایی نگاشته و در جریده الهلال چاپ کرده بود. خسروی این رمان را از عربی به فارسی ترجمه نموده است. ترجمه این رمان در اندیشه خسروی و آثار ادبی بویژه در نگارش رمانهای تاریخی به زبان فارسی تأثیر فراوان نهاده است.

۷- ترجمه کتاب الهیئه و الاسلام

اینکتاب اثر علامه سید محمد علی شهرستانی در باره تطبیق آیات و احادیث اسلام با هیئت جدید است.

۸- رشید یاسمی گفته است که چند رساله دیگر از خسروی وجود دارد.

۹- ترجمه چندکتاب دیگر به ایشان نسبت داده شده (مصاحبی نائینی: ۸۰۳، ۷۹۹، رشید یاسمی، ۱۳۷۳: ۳۳۴، سلطانی، ۱۳۷۴؛ ج ۱: ۴۲۷، ۴۲۹). در اینجا باید یادآور شد که در این مختصر امکان تفحص دقیق و تفصیلی این آثار مقدور و منظور نظر نبوده و بایستی آن را به فرصت دیگری موکول نمود. هریک از این آثار درجای خود قابل بررسی هستند، چرا که بررسی جنبه‌های ادبی، آراء و افکار خسروی کرمانشاهی و همچنین مروادات و ارتباطات شخصی وی با رجال، شاهزادگان، ادبا و شعرا را می‌توان از لابلای آثار منثور و منظوم و مکاتبات و اسناد اداری ایشان جستجو کرد و بدین‌وسیله برخی از جنبه‌های حیات شخصی و سیاسی ایشان را روشن‌تر نمود لذا چاپ، گردآوری و نشر یا تجدید چاپ این آثار می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

ب: جایگاه خسروی در تاریخ و ادبیات معاصر

خسروی کرمانشاهی در عرصه تاریخ، شعر و ادب بدون تردید از چهرهای شاخص ادبیات و تاریخ معاصر ایران در عهد قاجار بشمار می‌رود که شایسته است جایگاه و نقش او در میان ادبا و شعرای

متفکران عهد قاجار مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد، البته از عوامل مؤثر در باب کم توجهی به نقش ایشان در تحولات سیاسی و ادبی تاریخ معاصر با وجود آثار قابل توجه ادبی و فعالیت‌های بی ادعای فکری و سیاسی شاید ویژگی‌های شخصیتی ایشان در تواضع و فضیلت‌مندی و فروتنی باشد که حتی پس از مرگش بر حیات تاریخی او نیز سایه افکنده است. با این وجود برخی شاخص‌های برجسته اندیشه‌ای و افکار و فعالیت‌های تاریخی و سیاسی بایستی مورد واکاوی قرار گیرد جنبه‌های نظیر دانش و آگاهی‌های فراوان وی در علوم مختلف، خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی، فعالیت‌های او به‌عنوان دبیر دارالانشای کرمانشاهان و ولایات دیگر همچون فارس، استخراج نامه‌ها و مکاتبات اداری و منشآت دیوانی ایشان، بررسی خطبه‌ها و دیدگاه‌های او در جریان انقلاب مشروطیت در کرمانشاه، اقدامات نوجوانان و معارفی وی در تأسیس مدارس و مراکز نوین آموزشی و فرهنگی، آثار علمی ایشان در ادبیات کهن، اشعار و سرودهای منظوم ایشان، نوگرایی وی در نثر و ادبیات داستانی و رمان‌نویسی تاریخی، همراه با اندیشه‌های وطن‌دوستانه و ایران‌خواهانه وی در مبارزه با دخالت بیگانگان، افکار و اندیشه‌های تجددخواهانه سیاسی ایشان در باب قانون، مشروطیت، عدالت از جمله این وجوه قابل بررسی است، در نهایت اشاره به این نکته نیز قابل ذکر است که درمیان شاهزادگان قاجار شخصیتی بی‌طمع و آزاده بود که با وجود پیوستگی خانوادگی به سلسله قاجار از سرآگاهی و حریت ویژه‌ای که داشته باور واقعی به مشروط ساختن قدرت استبدادی پادشاهان قاجار داشته و برای استقرار قانون رفیع ظلم و استبداد آنان تلاش نموده است. بررسی این نکات در روشن شدن جایگاه واقعی خسروی کرمانشاهی در تاریخ، ادبیات سیاست و فرهنگ ایران و کرمانشاه در عصر قاجار راهگشا خواهد بود که در ادامه این جستار رویکرد نوگرایانه محمدباقر میرزا را در عرصه ادب مورد توجه قرار دهیم.

ج: ادبیات مشروطه و تجددخواهی

آشنایی ایرانیان با مفاهیم نوین در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظیر آزادی خواهی، قانون، مشروطه و مشروطه طلبی، ادبیات و بویژه نثر پارسی را بشدت تحت تأثیر قرارداد، گرایش به ساده نویسی و نزدیک شدن ادبیات به نوشتارهای محاوره‌ای و گفتاری که زبان توده و طبقات فرو دست اجتماعی بوده در اشکال مختلف با مضامین جدید عصری نو در ادبیات معاصر ایران بشمار می‌رود که با جریان تحولات مشروطه و قانونخواهی پیوند ناگسستنی ایجاد نمود از این رو به‌عنوان ادبیات عصر تجددخواهی و مشروطه خوانده شد. ادبیات مشروطه با بکارگیری اصطلاحات و لغات عامیانه و زبان

گفتاری موردتوجه مردم قرار گرفت. پدید آمدن فضای مناسب برای مبارزه اجتماعی و فرهنگی در واقع ادبیات کلاسیک و کهن و سنتی ایران را بسوی ادبیاتی ساده، تودهای با افق‌های نوین فرهنگی و سیاسی جدید سوق داد، لذا از مهمترین خصائص ادبیات این عصر تجددطلبی و رویکرد انتقادی آن است که با فردیت یابی انسان و تبلور زندگانی همگانی در فرد اجتماعی رخ می‌نماید (عبادیان، ۱۳۷۲: ۲۱، ۱۸؛ مسکوب، ۱۳۷۳: ۱۲۵، ۱۲۴). در چنین بستری از تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است که ادبیات داستانی نوین در تاریخ ایران عصر قاجار ظهور می‌کند.

در ادوار گذشته ادبیات داستانی در شکل سنتی خویش بیشتر در مضامین اجتماعی، حکایات، قصه‌های تاریخی، امثله و گاه طنز بازتاب می‌یافت و مقصود آن بیشتر آموزش تربیتی و اخلاقی، تجربه اندوزی و رفتارهای اجتماعی بوده و بیش هر جایی مخاطبانش در میان طبقات فرادست بوده‌اند؛ با این وجود، این گونه ادبیات بشکلی زبانی، شفاهی و نقالانه در میان مردم عامی نیز کمابیش بازتاب داشته است، اما شکل جدید ادبیات داستانی بصورت رمان‌های تاریخی و رمان اجتماعی در ادبیات معاصر، محصول افق و دنیای جدیدی است که به آن عصر تجدد و مدرنیسم می‌گویند افقی که در آن رمان به‌عنوان نثری گفتاری و عامیانه با بدنه اجتماعی پیوند ویژه‌ای برقرار می‌کند و در واقع محصولزایش بحران در ادبیات اشرافی – سنتیو ظهور ادبیات ساده و بی‌پیرایه و عامیانه مردمان کوجه و بازار، طبقات و اصحاب حرف و گروه‌های اجتماعی فرو دست است؛ افقی که در آن نویسندگان در تلاش‌اند که نفوذ مخاطبان خویش را به پهنای جامعه گسترش دهند و آن را از انحصار طبقات خاص در آورند و به نیازهای جدید و ضرورت‌های دنیای نوین پاسخ بگویند (بالایی، ۱۳۷۷: ۱۰). در آغاز، این گونه از ادبیات، بخاطر رواج نشریات نوین و روزنامه نگاری در عهد قاجاریه مورد توجه ادبا، شعرا و نویسندگان ایرانی روزگار قاجار قرار گرفت. فلذا این شیوه از ادبیات داستانی در روزگار قاجار برای نخستین بار در میان درباریان و نویسندگان نوگرای جامعه ایرانی که از دانش ادبی کافی برخوردار بوده و با مغرب زمین و تحولات ادبی آن آشنا بودند، رخ نمود. پس از این گسترش راههای ارتباطی با دنیای غرب باعث رواج سبک‌ها و شیوه‌های مختلف ادبی شد. مطالعه آثار ادبی و کتب نویسندگان مغرب زمین و فراهم آمدن شرایط ترجمه آثار علمی و ادبی، یک نهضت ترجمه جدید را در مناسبات فکری، فرهنگی و ادبی در نسبت میان دنیای مغرب زمین با عصر جدید ایران گشود. دریچه‌ای که به تغییر و نوگرایی در تاریخ قرون اخیر و از جمله در تاریخ ادبیات معاصر ایران، بویژه در رواج شکلی نوین از ادبیات داستانی به نام رمان منجر گردید.

د: تجدد ادبی و ادبیات داستانی

یکی از اشکال مهم ادبیات داستانی که در فرهنگ و تمدن ایرانی سابقه‌ای بلند داشته ولی در تاریخ معاصر ایران و در شکل نوین خود، از فرهنگ و ادبیات عهد تجدد و نوظوهای جامعه اروپا تأثیرات فراوانی پذیرفت، رمان‌نویسی است. شکل رمانی ادبیات داستانی از جمله مظاهر جدید تمدن غربی بشمار می‌رود، گسترش صنعت نوین چاپ که از مطبعه فرانسوی پاریس آغاز گردید (سولینه، ۱۳۸۴: ۱۸۶، ۱۸۲). مدتی بعد سراسر اروپا را فرا گرفت و در خدمت ادبیات و آثار فکری قرار گرفت. ادبیات کهن ایران تاپیش از عصر نوظوهای و تجدد طلبی تحت تأثیر گفتمان منظوم، نثر رسمی و تخصصی و منشآت مغلق و پیچیده و رسائل دیوانی بود در میان ادبیات داستانی هم اکثراً در شکل نظم نگاشته می‌شد و شاهکارهای ادبیات داستانی بصورت نظم نوشته می‌شد (آرین‌پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۳۶). نثر پارسی آن شکوه و شور نظم را نداشت و بشدت تحت تأثیر گفتمان منظوم و چون رعیتی در مقابل شکوه سلطان نظم فرودست بود (عنصرالمعالی، ۱۳۶۶: ۱۳۹). البته نثرهای غیررسمی و گونه‌های مختلف ادبیات داستانی اعم از حماسه‌ها، داستان‌های تاریخی، ادبی، مذهبی، صوفیانه، عرفانی و تربیتی نیز بودند و اما مخاطبان ادبیات کهن و ادبیات رسمی عمدتاً اشراف و طبقات بالای جامعه بوده‌اند (آژند، ۱۳۶۳: ۱۱) و توده‌های اجتماعی نه مخاطب بودند و نه در متن و مضمون و تولید چنین ادبیاتی نقش داشتند. از روزگار تیموریان نثر ساده و روان نویسی ادبی آغاز شد اما صرفاً از روزگار صفویه است که توده‌های اجتماعی و فرهنگ عامه در قالب نوشته‌های امثله و داستان‌های عامیانه فارسی مورد توجه قرار گرفتند (صفا، ۱۳۶۹، ج ۴: ۴۶۵)؛ اما ادبیات بعد از مشروطیت تحت تأثیر افق‌های جدید و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدید دامنه مخاطبانش را گسترش داد و به بستر اجتماعی جامعه و به میان مردم کوچه و بازار در آمد (آژند، ۱۳۶۳: ۱۱). ساده‌نویسی در عهد قاجار سرآغاز در پیش گرفتن تحولی نوین در ادبیات جدید بود که نویسندگان، رجال سیاسی، روشنفکران و علما در آثار و مکتوبات خویش متداول ساختند. اقبال این دسته از افراد بسوی توده‌های اجتماعی از آن نظر بوده که با توجه به وضعیت جامعه عهد قاجار به زبانی نیازمند بودند که از طریق آن توده‌های اجتماعی را برای مقابله با استبداد بسوی خویش متمایل کنند و در میان آنان آگاهی ایجاد نمایند؛ لذا ادبیات عصر قاجار کم‌کم با تحولات مذکور از ادبیات کهن و سنتی که ادبیات اشراف و طبقات فرا دست جامعه بودفاصله گرفت و به توده‌های مردم و فرودستان نزدیک شد (فرزاد، ۱۳۷۸: ۲۳). بنابراین، ادبیات عهد قاجار به سادگی روی آورد و تنوع و گوناگونی ویژه‌ای در عرصه ادبیات معاصر ایجاد کرد آن چنانکه استادان فن هیچ

دوره‌ای را به لحاظ ادبی از حیث نثر این قدر پرمحصول و برومند تصور نکرده‌اند (ناتل خانلری، ۱۳۶۹: ۳۸۰).

ه: خسروی کرمانشاهی و تجدد ادبی

آشنایی ایرانیان با اشکال نوین ادبیات معاصر غرب همان طور که گفته شد با گسترش ارتباطات ایرانیان با دنیای مغرب از آغاز عصر قاجار شروع شد و بیش از هر چیز ابتدا در شکل ترجمه آثار نویسندگان عصر رمانتیک و تحت تأثیر روزگار توسعه نفوذ قدرتهای استعماری مغرب زمین که بر مبنای قدرت نوظهور بورژوازی غربی پدید آمده بود صورت گرفت. لذا صورت نخستین علاقه ایرانیان به داستان‌های بلند به شکل رمان در قالب ترجمه برخی از رمان‌های غربی صورت گرفت. میرزا فتحعلی آخوندزاده را نخستین شخصیت ایرانی دانسته‌اند که برای اولین بار به رمان‌های مغرب زمین و نویسندگان این نوع از داستان‌نویسی توجه کرده اما توجه او از سطح ترجمه و تدوین برخی از این گونه آثار آن هم به زبان ترکی آذری فراتر نرفته است در نقد این دیدگاه که میرزا فتحعلی آخوندزاده آغازگر این ادبیات بوده است بایستی بیان داشت که آخوندزاده که بین سال‌های ۱۱۹۱-۱۲۵۷ ه - ق. می‌زیسته است و البته در آشنایی با ادبیات داستانی مغرب زمین قبل از خسروی کرمانشاهی بوده است اما آنچه که درباره آخوندزاده روشن است اینکه وی صرفاً یک رمان تاریخی به نام «ستاره‌های فریب خورده - حکایت یوسف شاه» را نگاشته است و این داستان رمان کوتاهی است که به زبان ترکی نگاشته شده نه فارسی لذا نمی‌توان آن را در شمار آثار ادبیات فارسی بشمار آورد. به همین دلیل بعدها میرزا جعفرخان قراچه داغی اثر میرزا فتحعلی آخوندزاده را به زبان فارسی ترجمه نمودند. با این وجود غیر از این آشناییو نگارش برخی سفرنامه‌ها و داستانهای خیالی و انتقادی برخی نویسندگان نظیر سیاحت نامه ابراهیم بیگ، زین العابدین مراغه‌ای و سفینه طالبی و مسالک المحسنین طالباف تبریزی و چندین نوشته‌دیگر به این شکل، اثر دیگری با سبک رمان‌نویسی پدید نیامد؛ این تنها محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی بود که با نگارش نخستین رمان تاریخی به زبان فارسی این سبک را بصورت یک گونه ادبی در ادبیات داستانی و زبان فارسی ایران معاصر متداول ساخت (عباسی و فتوحی، ۱۳۸۴: ۲۵۷). لذا مقدر بود که نگارش سه جلد داستان بلند (رمان) برای اولین بار به زبان فارسی به خامه یکی از ادبای محلی در کرمانشاه و در دشت ماهی‌دشت در روزگار سخت و بحرانی زندگی شاعر، ادیب و فعال سیاسی عصر مشروطیت رقم بخورد تا در تاریخ ادبیات نوین ایران جاودانه شود.

خسروی کرمانشاهی علی‌رغم غربت ایشان و کوتاهی ما در شناخت او یکی از نوآورترین شخصیت‌های تاریخ ادبیات معاصر ایران بشمار می‌رود. علاوه بر این تحقیقات و تفحصات گسترده ایدرتاریخ ادبیات ایران، دنیای عرب و اسلام داشته است که هنوز مورد توجه پژوهندگان قرار نگرفته است. خسروی در آشنایی با ادبیات نوین مغرب زمین و رواج شیوهٔ رمان‌نویسی در ادبیات داستانی پیشکسوت است و بر گردن ادبیات معاصر ما و سبک نوین رمان‌نویسی حقی گران دارد، چرا که نخستین کسی است که این گونه ادبیات را وارد دنیای زبان فارسی نمود و بر جمله کسانی که به چنین ادبیاتی علاقه‌مند شدند، فضل تقدم و اقتدار دارد. خسروی ادیب، شاعر و کاتبی توانا است و آگاهی‌های عظیمی از تاریخ ادبیات اسلام و ایران دارد بعلاوه در پردازش رمان تاریخی خویش با سابقه ادبیات کهن کهن این سرزمین دلبستگی خاصی دارد سبک او علاوه بر بهره‌مندی از نوپردازی بر روش داستان‌های ادبی و منظومه‌های فارسی نظیر ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و آثار نظامی متأثر است. فضای این داستانها تلاشی مقدس میان عاشق و معشوق برای وصول به پختگی و کمال و ادب است و با ارتباطی که به فضای سیاسی و درباری دارد فضایی که در آن شخصیت‌های اصلی رمان پرورش یافته است (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۳). خسروی می‌کوشد از طریق رمان اوضاع تاریخی عصر موردنظر خویش را توصیف نموده و قهرمانانی با خصلت‌های طبیعی خلق کند (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۸). با این همه برخی از پژوهندگان داستان‌نویسی در ایران نثر خسروی را در قبال نثر روزنامه‌ای آثار بعدی نظیر پیک اجل، نثری پر طنطنه قلمداد می‌کنند (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۴۷-۱۴۶)؛ اما معتقد است که رمان تاریخی پس از امثال خسروی کرمانشاهی و رحیم زاده صفوی رو به تنزل نهاده است (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۶). محمدعلی جمالزاده در میان مجموعه رمان‌های تاریخی عصر تجدد تنها اثر پر جذبه و کشش را کتاب «شمس و طغری» اثر محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی می‌داند و در مورد اهمیت رمان شمس و طغری و مزیت آن نسبت به سایر آثار می‌گوید: «این کتاب در ادبیات نثر قرون اخیراً ما به کلی بی‌نظیر و بی‌مانند است که به‌عنوان نمونهٔ ادبیات جدید فارسی شایسته است که به زبان‌های خارجی ترجمه گردد» (جمالزاده، ۱۳۷۰: ۲۰) عشق‌ورزی شرافتمندانه و پاک بی‌آلایشی که در آن نویسنده تلاش دارد نجابت‌های خاص عنصر ایرانی را در وصول بهیک کمال مطلوب عشق ورزی ورزی و وصال به معشوق را نشان دهد که در آن همه ارزش‌های اخلاقی و سنن فرهنگی محفوظ بماند بماند و همه اصالت‌ها محترم داشته شوند و عاشق از راه نیکنامی و شرافت به وصال معشوق برسد (خسروی، بی‌تا: ۶۴-۶۵). میرعابدینی معتقد است خسروی کرمانشاهی با خصلتی محافظه کارانه پاسدار

ارزشهای اشرافیت و حرمت نگهدار مالکان و نجیب زادگانی است که هنوز احساسات وطن پرستی را کاملاً از دست نداده‌اند (میرعبدینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۳).

بااینکه توجه اندیشمندان و نویسندگان ایرانی به رمان‌نویسی به سبک غربی در جامعه قاجار پیش محمدباقر میرزا خسروی آغاز شد، اما تولید نخستین رمان بومی با ماهیت و سبک نوین حاصل تلاش و اندیشه تجددگرای خسروی کرمانشاهی بود و در واقع این سبک از ادبیات داستانی با خسروی کرمانشاهی در ادبیات معاصر ما به ظهور رسیده است. از این رو برخی از نگارندگان تاریخ ادبیات شاهزاده محمدباقر میرزا خسروی را از پیشوایان برجسته نثر نوین فارسی بشمار آورده‌اند و گفته‌اند که ایشان بود که با نگارش رمان‌های تاریخی نثر نوین ادبی را به سبک جدید خلق کرده است و نوشته او تحت عنوان طغرل و همای نخستین رمان تاریخی ایرانی به شیوه ادبیات اروپایی بشمار می‌رود (میرعبدینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۳، ۳۲؛ عباسی و فتوحی: ۲۵۷).

از این نکته که بگذریم نوآوری خسروی کرمانشاهی صرفاً به نگارش این رمان سه جلدی که هرکدام از مجلدات آن نیز به نحوی مضامین و صحنه خاصی را نشان می‌دهند نیست، بلکه به قدرت ادبی خلاق و میهن‌پرستانه وی نیز مربوط می‌شود و از این نظر باید خسروی کرمانشاهی بنیانگذار یک رویکرد در ادبیات نوین ایران دانست این رویکرد که وی علی‌رغم اینکه به نوآوری و تجدد غربی نظر دارد اما شخصیتی بسیار بومی‌گرا و معتقد به تجدد بومی در عرصه داستان‌نویسی بشمار می‌رود و از این لحاظ نمی‌توان او را شخصیتی مقلد و اندیشمندی غرب زده و روشنفکر مآب بشمار آورد چرا که از تقلید صرف بیزار است و در عین اخذ و اقتباس نوآوری به مولفه‌های بومی و ایرانی و هویتی خویش نظر دارد، لذا رمان سه جلدی خویش را براساس زمینه تاریخی ایرانی و با موضوع و مؤلفه‌های ملی و هویتی در داستان‌نویسی می‌نگارد و بدین صورت رمانی با سبک و سیاق اروپایی و با محتوی و مضمون ایرانی می‌آفریند که نشان دهنده پیشتازی او در عرصه نوآوری و تجدد بومی در ادبیات است. این رمان در سه مجلد با عناوین «شمس و طغری»، «ماری ونیزی» و «طغرل و همای» نخستین رمان ایرانی به زبان پارسی است. در واقع خصوصیت ممتاز این داستان بلند علاوه بر نو بودن سبک و داشتن ویژگی‌های لازم رمان‌های عصر تجدد دارای مضامین و محتوی بومی با تکیه بر هویت تاریخی-ایرانی ایرانی است. شمس و طغری در واقع یک رمان تاریخی است، رمانی که هسته اصلی داستان و مفاهیم و عناصر تشکیل دهنده آن در درون جامعه ایرانی پرورش یافته استولی سبک و پردازش آن به شیوه غربی است. این رمان در سال ۱۳۲۵ هـ - ق در جریان تحولات انقلاب مشروطیت شکل گرفته است و یک سال پس از حوادث پر آشوب کرمانشاه در انقلاب مشروطیت به رشته تحریر در آمده است و یک

سال بعد از آن به همت معتضالدوله کرمانشاهانی طبع گردید (خسروی کرمانشاهی: ۲۱)؛ و نویسنده در زمان خلق این رمان بشدت درگیر حوادث و تحولات مربوط به مشروطه‌خواهی در کرمانشاه بوده. هسته اصلی داستان براساس یک فرم و محیط تاریخی و در فضای تاریخی اتابکان سرزمین فارس شکل گرفته. مواد اولیه و تصور نخستین پردازش چنین داستان در زمانی شکل گرفته که محمدباقر میرزا خسروی به عنوان کاتب و دبیر دیوان فارس مدتی را در آن سرزمین به تفحص و تفرج پرداخته بود. در واقع خسروی با بهره‌گیری از شخصیت‌های تاریخی و پردازش داستان بلند بدنبال آن شیوه داستانی رمان تاریخی را به‌عنوان شکل جدیدی از داستان‌نگاری علیه سنن موجود برمی‌انگیزد با این همه تلاش تلاش رمان‌نگاری تاریخی خسروی علاوه بر داشتن ویژگی‌های نوین خویش هنوز تعلق خاطر با بافت بافت پیشین خویش دارد و لذا این رمان به مثابه نخسین حلقه پلی است که میان داستان نویس سنتی و معاصر است او زمینه داستان را بر وقایع تاریخی سرزمین فارس نهاده و سعی می‌کند احساسات وطن پرستانه شمس قهرمان داستان قبل از درگیر شدن در ماجای عاشقانه را در مقابل مغولان را نشان دهد. شمس جوانی تنومند و زیبا و با اصل و نسب است که تنفری بسیار شدید از حضور بیگانگان در کشورش دارد او جوانی است اصیل از تبار دیالمه که همراه پدرش از نجیبزادگان برای استقبال از امیر مغولی به شهر شیراز وارد می‌شود در حالیکه در گفتگو با پیشخدمت با تجربه پدرش بنام خرم، بی‌محابا به ابراز تنفر از مغولان می‌پردازد به ناگاه با آتش‌سوزی مهیبی در بازار شیراز مواجه می‌شوند هول هراسی که این آتش‌سوزی در جان مردم کوچه و بازار می‌اندازد و غوغایی که برپا می‌شود خرم و شمس شمس را وارد ماجرای نجات دادن افرادی که در این آتش‌سوزی گرفتار نموده‌اند؛ می‌سازد که در مرکز آن خانه امیر مغولی قرار دارد که در آن دختر زیباروی امیر مغول و دایه او اسیر آتش شده‌اند که با جسارت و جوانمردی شمس و خرم نجات می‌یابند امری که شمس قهرمان داستان را در سراسر داستان درگیر خود می‌سازد و از این پس داستان دلدادگی شمس و طغری و تلاش‌های قهرمان داستان برای رسیدن وصال معشوق است (خسروی، بی‌تا: ۳۲).

رمان تاریخی شمس و طغری در واقع در صدد ایجاد آشنایی مخاطب با سبک جدیدی از نویسندگی با یک پیش زمینه آشنای تاریخی آن هم در قلب سرزمین فارس است که در آن عناصر اصلی داستان با جستجوی راه‌های بقا در قبال اقوام و فرهنگ مهاجم و امتزاج و غلبه بر آن است در عین حال در وجود شمس به‌عنوان نماینده اصیل و نژاده ایرانی و از تبار بزرگ با طغری مغولی پیوندی لطیف و عاشقانه برقرار می‌کند و کینه و نفرت را به عشق و ارتباط مبدل می‌سازد، همین پیوند با عنصر دوم و در جلد بعدی اثر میان شمس ایرانی و ماری ونیزی به‌عنوان نماینده فرهنگ لاتین - غربی برقرار

برقرار می‌گردد ماری کنیزی است زیبا و از نجیب‌زادگان اسپانیایی و ایتالیایی که همراه مادرش اسیر می‌شود و سلطان مصر آنها را می‌خرد و سپس بشکلی به شمس اهداء می‌شود و سپس شمس به او نیز عشق می‌ورزد و او را به عقد و ازدواج خود در می‌آورد و سر و سری هم با ملکه آبش‌خاتون اتابک فارس پیدا می‌کند. ماری ونیزی در اینجا نمادی از حضور عناصر غربی و فرنگی است که نشان از مؤلفه‌های تجددگرایی و تعامل برانگیز عنصر ایرانی با فرهنگ‌ها و عناصر دیگر فرهنگی است. نویسنده در واقع با خلق یک رابطه عاشقانه دیگر داستان را ادامه می‌دهد و برای بار سوم نیز همین شیوه را در تداوم داستان و خلق جلد سوم داستان در رابطه عاشقانه میان طغرل و همای ادامه می‌دهد. نکته دیگر از تأثیر پذیری خسروی از ادبیات غربی را بایستی به آشنایی وی از آثار ترجمه شده از ادبیات جدید مغرب زمین اشاره کرد آثاری نظیر ترجمه رومئو و ژولیت و برخی آثار الکساندر دوما و نیز قصه عذراء قریش از جرجی زیدان که محمدباقر میرزا آن را ترجمه کرده است.

و: تأسیس مدارس و مراکز معارفی

مسئله تعلیم و آموزش بر اساس شیوه‌های جدید آموزشی از روزگار قاجار تأثیرات برجسته‌ای در مسیر آزادی‌خواهی و نوگرایی داشت لذا اندیشمندان و دغدغه‌گران عصر استبداد برای گسترش فرهنگ فرهنگ نوین اقدام به تأسیس مدارس معافی نمودند و در کرمانشاه نیز تأسیس مدرسه و روزنامه و آموزش علوم نوین از جمله اینگونه دغدغه‌ها بود محمدباقر میرزا در این زمینه نیز در تأسیس مدرسه به سبک نوین از جمله پیشگامان معارف کرمانشاه و از علاقه‌مندان به توسعه آموزش به سبک نوین بود. ایشان به همراه جمعی از معارف شهر کرمانشاه نظیر احمدخان اعتضادالسلطنه و شاهزاده سلیمان میرزا کرمانشاهی و شاهزاده ابوالقاسم میرزا مدرسه حقوق را در کرمانشاه به سبک مدارس جدید دایر نمودند، مدرسه‌ای که می‌توانسته مفهوم حقوق و قانون را به شکلی نوین ترویج نماید. این مدرسه در سال ۱۳۲۴ هجری - قمری از سوی اعضای انجمن حقوق به تأسیس گردید سرپرستی و مدیریت این مدرسه بر عهده محمدباقر میرزا خسروی گذاشته شد و بدست وی افتتاح شد. این مدرسه دارای برنامه‌های آموزشی و آزمون جامع بود و از افراد برجسته معارفی برای نظارت بر آزمون دعوت می‌شده است و تا روزگار تسلط سالارالدوله دایر بوده است (سلطانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۸۸-۲۸۷). غیر از این‌ها خسروی کرمانشاهی آن چنانکه از متن دیوان شعری و مکاتبات او بر می‌آید خدمات علمی و ادبی دیگری داشت و در محافل دوستانه و علمی - ادبی شرکت می‌کرده و با چهره‌های بزرگ ادبی روزگار

خویش نظیر محمد صادق خان ادیب الممالک، امیر نظام کروسى، حسینقلی خان سلطانی کلهر، شمس الشعراء، امیرالشعراء امیری، وفاعلیشاه شیرازی ذوالریاستین، معصوم علیشاه نایب الصدر، علی قلی خان مخبرالدوله، غافل مازندرانی، سلطان محمد میرزا شارق که همه از بزرگان ملک ادب و عرفان در روزگار قاجار بودند مرادوات فراوان داشته است، چنانکه شعرا و ادبای برجسته کشور نظیر ملک الشعراء بهار، یحیی دولت آبادی و ملک الکلام کردستانی در زمان درگذشت این ادیب و شاعر و فعال سیاسی - اجتماعی و درستایش فضیلت‌مندی‌هایش مرثی و ماده تاریخ‌هایی سرودند که حکایت از بزرگی جایگاه ایشان است.

نتیجه

چنانکه نشان داده شد محمدباقر میرزا دولتداد متخلص به خسروی کرمانشاهی از چهره‌های بزرگ ادبی، سیاسی و علمی روزگار قاجار در کرمانشاه بشمار می‌آید که نقشی بسیار برجسته در تحولات انقلاب مشروطه و در ادبیات معاصر ایران ایفا نموده است. دو وجه نظر تاثیرگذار و غالب و یکه در عرصه عرصه سیاسی و ادبی پدیدار گردید، رویکرد نوگرایانه و نواندیشانه سیاسی و ادبی در روزگار خویش بوده است. مهم‌ترین مفاهیمی که در اندیشه و فعالیت‌های سیاسی محمدباقر میرزا خسروی مورد توجه بوده‌اند، عبارت بوده‌اند از قانون، مشروطه، حریت، تعاون، عدالت، ملت، بیداری، وطن‌خواهی و غیرت وطنی؛ این مفاهیم از یکسو نشان دهنده وجود مقولات نو و تجدد خواهان و تماس و آشنایی خسروی کرمانشاهی با اندیشه‌های تجددطلبانه دارد و از سوی دیگر نشان از تعلقات فکری و اندیشه‌ای ایشان به مفاهیم بومی، سیاسی و فرهنگ و تاریخ ملی می‌دهد. برخی دیگر از این مفاهیم نیز نشان دهنده پیوند عناصر مشترک ملی با افکار نوین برخاسته از مضامین غربی است که در شکل مفاهیمی چون وطن‌خواهی، ملت‌پرستی و ناسیونالیسم بروز کرده است. از طرفی دیگر وجود برخی مفاهیم نظیر عدالت، عدالت، تعاون، بیداری حاکی از نفوذ ریشه‌دار فرهنگ اسلامی و ایرانی در اندیشه‌ها و افکار خسروی است که حکایت از تعلق خاطر عمیق وی به مفاهیم و عناصر فرهنگی و هویت بومی در عین تجدد است یعنی در عین حال که علائق محمدباقر میرزا به تجدد و نوخواهی متأثر از اندیشه‌های مغرب زمین نظیر مشروطه‌خواهی؛ قانون‌خواهی و ناسیونالیسم را برجسته می‌بینیم در کنار آن تعلق خاطر به مضامین مضامین فرهنگ بومی اسلامی و ملی نیز دیده می‌شود. نکته دیگر در اندیشه محمدباقر میرزا وفاداری او به نظام سلطنت و خاندان قاجار است علی‌رغم این تعلق خاطر و وابستگی و وفاداری شاهزاده

محمدباقر میرزا خسروی، بر تحدید جایگاه استبدادی قدرت شاهان قاجار و مشارکت عقلای ملت در بنای بنای قانون و عدالت در سرنوشت ملت تاکید دارد بر این اساس، او حفظ نظام سلطنت و تحول آن به شکل مشروطه سلطنتی و تشکیل پارلمان مرکب از عقلای وطن را مایه سعادت و سلامت و اسباب آبادی مملکت و مایه انتظام درست و سرمایه پیشرفت قلمداد می‌کند.

وجه دیگر اندیشه محمدباقر میرزا خسروی نوگرایی و تجددطلبی در عرصه اندیشه ادبی و فرهنگی است از این نظر همان‌طور که در متن پژوهش نشان داده شد شخصیتی نوگرا و تجددطلب و وفادار به فرهنگ و مؤلفه‌های بنیادی فرهنگ ایرانی است لذا وی علاوه بر اینکه اولین رمان را به زبان فارسی در ادبیات جدید و معاصر ایران نگاشته و پیش‌قراول ادبیات داستانی نوین به شکل رمان‌نویسی تاریخی در زبان و ادبیات فارسی محسوب می‌شود، نخستین کسی است که بستر تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی را برای پردازش رمان‌نویسی انتخاب می‌کند و آن را با شیون نوین ادبیات داستانی انطباق می‌دهد؛ و سبک داستان‌نویسی به زبان عامه مردم کوچه و بازار را به شکل داستان نویسان اروپایی را رواج می‌دهد و بدین‌وسیله تغییر در افق اذهان اجتماعی را در دوران جدید و در آستانه آشنایی با عصر مدرن را نوید می‌دهد. نوگرایی در عرصه آموزش و تربیت نسل نو را نیز در شکل حمایت از مدارس و مراکز آموزشی و معارفی جدید نشان داده است. بعلاوه این جستار نشان داده که خسروی کرمانشاهی و ابعاد سیاسی، فکری ایشان و اندیشه و ادبیات و آثار او قابل تعمق و شایسته دقت نظر و بررسی بیشتر است.

منابع

- آدمیت، فریدون (بی‌تا)، ایدئولوژی انقلاب مشروطیت؛ انتشارات: روشنگران؛ تهران.
- آذری شهرضایی، علی (۱۳۸۵) گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کرمانشاه و کردستان؛ انتشارات: کتابخانه و مرکز اسناد و پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ چاپ: اول؛ تهران.
- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲) از صبا تا نیما؛ ج ۲؛ انتشارات: زوار؛ تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۳)؛ ادبیات نوین ایران (ترجمه و تدوین)؛ انتشارات: امیرکبیر؛ چاپ: اول، تهران.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت «دوره اول و دوم مجلس شورای ملی»، نشر: تاریخ ایران، تهران.
- احرار، احمد (۱۳۵۲)، توفان در ایران، بی‌نا، تهران.
- الگار، حامد (۱۳۶۹) پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان (میرزا ملکم خان)، ترجمه: جهانگیر عظیمیا و مجید تفرشی؛ انتشارات: مدرس؛ چاپ: اول؛ تهران
- بالایی، کریستف (۱۳۷۷) پیدایش رمان فارسی؛ مترجمان: مهوش قویمی و نسرین خطاط؛ انتشارات: معین؛ چاپ: اول؛ تهران.
- بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی در کرمانشاه، جلد اول، انتشارات: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ: اول؛ تهران؛ زمستان.
- بیگلری، هرمز (۱۳۷۰) گذری بر تاریخ کرمانشاه، انتشارات: کاشفی؛ چاپ: نخست؛ کرمانشاه.
-(۱۳۷۴)، تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار، ناشر: طاق‌بستان، کرمانشاه.
- بیات، کاوه (۱۳۶۹)، ایران و جنگ جهانی اول وزارت امور داخله، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ: اول، تهران.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۰) مقدمه دلیران تنگستان؛ چاپ: نهم؛ انتشارات: اقبال؛ تهران.
- حیدریان، محسن (۱۳۸۵)؛ سرآمدان اندیشه و ادبیات (از دوران باستان تا آغاز قرن بیستم)؛ نشر: قطره؛ چاپ: اول، تهران.
- خسروی کرمانشاهی (۱۳۸۹) محمدباقر میرزا؛ شمس و طغری؛ انتشارات: راستی نو؛ تهران.
- خسروی، محمدباقر میرزا (بی‌تا)، شمس و طغری، نشر: معرفت؛ چاپ: سوم؛ تهران.
- دیوان خسروی کرمانشاهی (۱۳۰۴)، به اهتمام: شاهزاده محمدصادق میرزا دولتداد (فرزند خسروی کرمانشاهی)، با مقدمه: دکتر غلامرضا رشید یاسمی؛ طبع: مطبعه برخیم.
- رشید یاسمی، غلامرضا، مقاله‌ها و رساله‌ها (۱۳۷۳) نوشته: به کوشش: ایرج افشار، نشر: موسسه موقوفات محمود افشار و رسول دریا گشت؛ تهران.

- روزنامه مجلس (۱۳۷۵) جلد اول؛ کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها؛ چاپ: اول، تهران.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۸) احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه؛ جلد: اول؛ نشر: موسسه فرهنگی نشر سه‌ها؛ تهران.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۴) جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاه؛ ج ۱، چاپ: اول؛ نشر: موسسه فرهنگی رسا، تهران.
- سمیعی، حسین «ادیب‌الممالک و امان‌الله اردلان (۱۳۳۲)، اولین قیام مقدس ملی در جنگ بین‌المللی اول، ناشر: کتاب‌فروشی ابن‌سینا، تهران.
- سنجایی، سردار مقتدر (۱۳۸۰)، ایل سنجایی و مجاهدت ملی ایران (خاطرات علی‌اکبر خان سردار مقتدر سنجایی)، انتشارات: شیرازه، چاپ: اول، تهران
- سولینه، وردن. ل. (۱۳۸۴) ادبیات فرانسه در قرون وسطی و رنسانس؛ ترجمه: عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات: امیرکبیر؛ چاپ: پنجم؛ تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴؛ انتشارات فردوس؛ تهران.
- عباسی، حبیب‌الله و محمود فتوحی (۱۳۸۴)، فارسی عمومی، نشر: سخن؛ تهران.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن وشمگیر (۱۳۶۶)؛ قابوس‌نامه؛ به اهتمام: سعید نفیسی؛ نشر: کتاب‌فروشی فروغی؛ چاپ: ششم؛ تهران.
- عبادیان؛ محمود (۱۳۷۲) درآمدی بر ادبیات معاصر ایران؛ نشر: گهر، چاپ: اول؛ تهران.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۷۸) درباره نقد ادبی؛ نشر: قطره؛ چاپ: دوم؛ تهران.
- فوران، جان (۱۳۹۲)؛ مقاومت شکننده «تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی»؛ نشر: موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- کشاوری اردشیر و ططری علی (۱۳۹۰) اسناد انتخابات مجلس شورای ملی کرمانشاهان (در بیست‌وچهار دوره مجلس شورای ملی)؛ انتشارات: کتابخانه و مرکز استاد و پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ چاپ: اول؛ تهران
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۳) داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع؛ نشر: فرزاد؛ تهران.
- مصاحبی نائینی، محمدعلی (عبرت) (۱۳۷۶)؛ تذکره مدینه الا دب، چاپ عکسی از روی نسخه مؤلف، نشر: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ: اول؛ تهران.
- ملائی، علیرضا (۱۳۷۸) ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ: اول، تهران.
- میر عابدینی، حسن (۱۳۸۷) صدسال داستان‌نویس ایران، چاپ: پنجم؛ نشر: چشمه، تهران.

مذاکرات مجلس در دوره اول تقنینیه مجلس شورای ملی (۱۳۳۴) با مقدمه سعید نفیسی، ناشر: کتابخانه ابن‌سینا، تهران.

ناتل خان لری، پرویز (۱۳۶۹) هفتاد سخن، انتشارات: توس؛ چاپ: اول؛ تهران.

یوسفی، فرشید (۱۳۹۱)، زندگی‌نامه بزرگان کرمانشاه (از سده اول تا سیزدهم)؛ انتشارات: باغ نی، چاپ: اول، کرمانشاه.